Taheri Academy

آکادمی طاهری

ترم تشعشع دفاعی نظام قدیم

عرفان کیهانی حلقه

جلسه ۵

این جـزوه منطبق با محتوای پیاده‌سازی شده «فایل تصویری ترم تشعشع دفاعی، جلسه پنجم، نسخه اول» تهیه و با بیان محاوره‌ای ارائه گردیده است به‌زودی ویرایش جدیدی از این جزوه منتشر خواهد شد که شامل نکات تکمیلی موجود در سایر نسخه‌های منتشر شده این ترم خواهد بود. بنابراین، هر ترم صرفا یک جزوه خواهد داشت که تمامی مطالب ارائه‌شده در هر ترم را در بر می‌گیرد.

اپلیکیـــشن عرفـان کیهـــانی حلقـــه

برای دسترسی به منابع مکتب عرفان کیهانی حلقه و آکادمی طاهری
اپلیکیشن عرفان کیهانی حلقه را نصب نمایید.





Erfan Keyhani Halgheh

وب‌سایت‌های آکادمی طاهری

برای گذراندن دوره های آموزشی مکتب عرفان کیهان حلقه، در آکادمی طاهری ثبت نام کنید.

آکادمی طاهری نظام جدید

- ویژه دانشجویان بین‌الملل — taheriacademy.com
- ویژه دانشجویان داخل کشور — erfanhalghehacademy.com

آکادمی طاهری نظام قدیم

- ویژه دانشجویان بین‌الملل — taheriacademy.com
- ویژه دانشجویان داخل کشور — elementary.erfanhalghehacademy.com

- وب‌سایت مرکزی (محمدعلی طاهری) — mataheri.com
- یوتیوب محمدعلی طاهری — MohammadAliTaheriOfficial

آب است و حباب و موج و دریا — هر چهار یکی بُوَد بر ما
آب و حباب و موج ماییم — ذره بداند این حقیقت ما
بنگر به تعیُّن جز یکی نیست — هم قطر و جوی و سیل و دریا

به‌نام هستی‌بخش یکتا

با عرض سلام خدمت سروران عزیز،

گزارش‌های ارتباط تشعشع دفاعی و بررسی نکات آن‌ها:

گزارش: در خروجی که هفته پیش داشتم، این سوال‌ها برام پیش اومد. اولا عین همین تجربه‌ای که این آقا داشتند و گفتند که فکر می‌کردند اون موجود ملک هست، برای من هم همین اتفاق افتاده بود؛ یعنی من واقعا من فکر می‌کردم که اینها فرشته هستند! طی خروجی که هفته پیش داشتم؛ یک موجود خیلی نورانی اومد که من اصلا دلم می‌خواست اون باهام باشه و می‌گفتم نمی‌خوام بره. ولی بعد شما دست من رو گرفتید و بردید و انگار که من داشتم از بالا نگاه می‌کردم و یک‌دفعه چهره‌اش عوض شد و به‌صورت یک دیو خیلی کریه دراومد. بعد دیگه هر کاری کردم، خارج نشد تا هفته پیش در کلاس خارج شد؛ ولی با تهدید بود. من فردای اون روز هم یک خروج دیگه داشتم که کالبد ذهنی یک دختر خانمی بود که با من بود و در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی کشته بودنش و هر کاری هم می‌کردم نمی‌رفت؛ چون خیلی وابستگی داشت و می‌گفت من می‌خوام با تو دوباره زندگی رو تجربه کنم. زمانی اون دیو خارج شد، دقیقا انگار پشت یک پنجره نشسته بود و همین‌طوری نگاه می‌کرد و من تا چند روز، همه‌اش حالت گریه داشتم و مدام گریه می‌کردم و دقیقا حس می‌کردم که اون دختره که داره گریه می‌کنه و نفس‌های آخرشه. آخر سر وقتی که کالبد ذهنی اون دختر رفت، اون دیو هم رفت؛ یعنی دوتاشون دست هم رو گرفتند و رفتند.

سوال (بر مبنای گزارش): من می‌خواستم بدونم که آیا میشه وقتی یک کالبد ذهنی، آدم رو تسخیر می‌کنه؛ غیر ارگانیک‌های اون هم باهاش بیان؟ یعنی این وابستگی بینشون هست یا این فقط یک تصویر بوده؟

استاد: نه! اصولا چون بعد از مرگ، همه آزاد می‌شند. یعنی دیگه چیزی برای تسخیر نیست و در نتیجه، همه آزاد می‌شند. اینطور نیست که بگن حالا دوتایی بریم درون یکی دیگه!

ـ از فریب‌های موجودات غیر ارگانیک: نشان دادن خود در قالب افراد مقدس و متعالی

ویروس‌های غیر ارگانیک می‌توانند خود را در ظاهر افراد مقدسِ هر دینی به افراد نشان دهند و باعث فریب آنها گردند.

یک مطلبی که وجود داره و باید بدونیم، بحث فریب و ترفندهایی هست که این موجودات می‌زنند. مثلا الان در این مورد میگه که من ملک هستم؛ ولی ملک نیست! موضوع اینه که ممکنه اونها خودشون رو اصولا با چهره‌های خوبی نشون بدند؛ مثلا با اسم ملک یا در قالب افراد مقدس. فرضا ممکنه خودشون رو یک فرد نورانی نشون بدند و از اونجا که ما در داستان‌ها و افسانه‌ها، افراد مقدس رو با این هیبت‌ها دیدیم و در ذهنمون اینطور جا افتاده، بنابراین نه‌تنها دفعش نمی‌کنیم؛ بلکه می‌پذیریمش. زمانی هم که ما اون رو به‌عنوان یک فرد مقدس پذیرفتیم؛ اون کارهاش رو انجام میده و ما هم مدام فکر می‌کنیم که خود اون فرد متعالیه. خیلی‌ها تصور می‌کنند که با حافظ یا با مولانا و... در ارتباط هستند. ما بارها این رو تجربه کردیم و تجارب خیلی زیادی در این رابطه وجود داره که یک نمونه‌اش رو خدمتتون مثال زدم که یکی می‌گفت من با عیسی مسیح (ع) در ارتباط هستم. ما بهش گفتیم پس بگذار یک تست‌هایی انجام بدیم و ایشون آنقدر مطمئن بود که قبول کرد و ما تست کردیم و بهش تشعشع دفاعی دادیم. نتیجه این بود که همون کسی که می‌گفت عیسی مسیحه و همیشه میاد دستش رو دور شانه من می‌اندازه؛ یک‌دفعه چهره خشمناکی پیدا کرد و گلوش رو گرفت و گزارش میداد که الان گردنم رو گرفته و داره خفه‌ام می‌کنه! به هر حال تا حالا موردی نداشتیم که خلافش ثابت شده باشه و خلاصه کلام اینکه باید مراقب این فریب باشیم. عده زیادی در دنیا با این تصور که اون یک موجود نورانی‌ست، ملکه یا از نوع خوبه؛ فریب می‌خورند. مثلا بعضی‌ها موکل دارند و میگن که موکل ما از اون نوع خوبشه؛ ولی در واقع اون موجود، اونها رو دست انداخته و به‌نوعی از طریق باورها و اعتقادات خودشون، اونها رو

سرکار گذاشته. مثلا اگر اون شخص ایرانی و مسلمان باشه، مثلا میگه من امام زمانم! اگر اون شخص مسیحی باشه؛ میگه من با عیسی مسیح (ع) در ارتباط هستم! اگر بودایی باشه... در واقع هر باوری که داشته باشیم؛ اونها با باورهای خود ما بازی می‌کنند. ما فقط باید بدونیم که الان به یک نحوی با ویروس‌های غیر ارگانیک مواجه هستیم و خودتون هم مشاهده می‌کنید که ما چقدر و در چه طیفی با ویروس‌های غیر ارگانیک مواجه هستیم. ویروس‌های غیر ارگانیک، تعادل ذهنی ما رو بهم می‌زنند؛ این یک واقعیته. الان دیگه یک مورد و دو مورد و سه مورد نیست و در همین دوره دیدید که با چند مورد واقعیت مسلم و مشخص برخورد کردیم و همه اینها هم یک بیوگرافی دارند. یعنی با هر کدومشون صحبت کنیم؛ می‌بینیم که یک بیوگرافی خاص و سابقه‌ای در این رابطه دارند.

ـ مسئول بودن انسان در برابر اشتباهاتِ منجر به آلودگی به ویروس‌های غیر ارگانیک:

اشتباهات خود انسان، می‌تواند باعث شود ستاد ذهنی تحت اشغال موجودات غیر ارگانیک قرار گرفته و اختیار فرد را تحت تاثیر قرار دهد.

سوال: اگر ویروس‌های غیراگانیک عامل خیلی از اعمال ما باشند، پس مسئله اختیار و اینکه خودمون مسئول کارهای خودمون هستیم؛ چی میشه؟

استاد: خدمتتون عرض کنم که ما مختار هستیم، ولی اشتباهات ما می‌تونه باعث بشه که ستاد ما تحت اشغال قرار بگیره. یعنی همونطور که مشاهده کردید، اشتباهاتی که ما مرتکب می‌شیم، می‌تونه باعث بشه که ستادمون در اِشغال قرار بگیره و در نتیجه، اونها روی ما تاثیر می‌گذارند و اختیار ما رو تحت تاثیر خودشون قرار میدن.

حضار: این اشتباهات، شامل گناهان کبیره هم میشه؟

استاد: نه! منظور همان مواردی هست که در موردشون توضیح دادیم. البته می‌بینید که همه اشتباهات به‌نحوی باعث میشه که ما تشعشع منفی داشته باشیم؛ یعنی به‌طور غیر مستقیم باعث آلوده شدن ما میشه. وقتی ما تشعشع منفی داریم، تشعشع منفی، اونها رو جذب می‌کنه. مثلا ما به فاز منفی میریم و عمده این مسائل، زیر سر همین فاز منفیه. یعنی ما به فاز منفی میریم؛ دریچه‌های منفی باز میشه و اونها میان داخل. در

واقع می‌تونیم بگیم که **موجودات غیرارگانیک، ویروس‌های اختیار هم هستند، یعنی ضایع کننده اختیار هستند** و عنان امور ما رو به دست می‌گیرند. حالا ما با شناسایی که انجام می‌دیم و با پاکسازی که می‌کنیم؛ می‌بینیم که یواش یواش خودمون اداره امور رو به دست گرفتیم.

حضار: خیلی از مردم این رو نمی‌دونند!

استاد: انسان اومده روی زمین که بدونه. مثلا در حوزه قانون، بعضی مواقع مسائلی پیش میاد که ما واقعا نمی‌دونستیم، ولی قانون قبول نمی‌کنه؛ میگه: «می‌خواستی بدونی!». یعنی عدم اطلاع، باعث سلب مسئولیت نمیشه. اینطور نیست که ما بگیم نمی‌دونستیم و دیگه از ما سلب مسئولیت بشه. یک بچه یا یک طفل یا یک نوزاد هم نمی‌دونه ویروس یعنی چی، اما اگر یک آلودگی از بیرون وارد بدنش بشه؛ درگیرش می‌کنه. نمی‌تونیم بگیم که این بچه نمی‌دونست ویروس چیه! یعنی اینها قانونه؛ قانون هستیه و قانون هستی ثابته.

ـ قرار گرفتن در فاز منفی، عامل اصلی جذب ویروس‌های غیر ارگانیک:

به هر حال گفته شده که «ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون»؛ ختم کلام! وقتی دچار حزن شدیم؛ اونها هم همینطور ناخودآگاه میان.

سوال: استاد حتی اشکی که برای مردن عزیزی می‌ریزیم؟

استاد: بله. حتی در مورد اشکی که برای مردن عزیزی می‌ریزیم، به‌خاطر اینکه مفهوم «انا لله و انا الیه راجعون» رو نفهمیدیم؛ مورد مجازات قرار می‌گیریم. آیا واکنش افراد در مقابل این قضیه مثل همدیگه‌ست؟ یک نفر الیه راجعون رو فهمیده و کمتر واکنش منفی نشون میده؛ یکی نفهمیده و بیشتر واکنش منفی نشون میده. اینها بحث بینشه و در واقع بیخود نگفتند که «انا لله و انا الیه راجعون»؛ این درسه. این بزرگترین نویدی‌ست که به انسان داده شده که: «به سوی او باز می‌گردیم». بنابراین در صورتی‌که مرتکب همین خطاها و خلاف‌ها و حزن و اندوه بشیم؛ گریبان ما رو می‌گیرند.

حضار: استاد! هر غم و اندوهی یا هر ترسی که ممکنه باشه، یعنی هر غم و اندوهی در هر رابطه‌ای؟

استاد: بله، هر غم و اندوهی رو شامل میشه. این آیه در مورد «حزن» صحبت کرده؛ گفته: «یحزنون». انسان بین دو حالت مثبت و منفی قرار داده شده تا ببینند که ما جذب کدوم می‌شیم. اگر انسان اینطور آفریده نمیشد که الان ما مشکلی نداشتیم و آزمایشی هم نداشتیم. ولی ما رو بین این دو تا حالت قرار دادند و میگن: «به سمت منفی نرو!»؛ دیگه می‌خوان ببینند که ما چکار می‌کنیم.

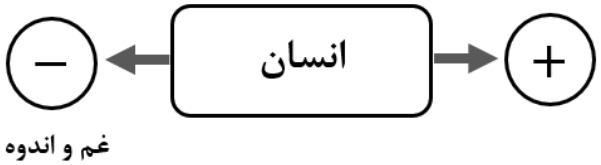

حضار: {صحبت حضار در ویدیو موجود نیست}

استاد: اون بحثی که شما فرمودید، بحث بزرگداشت هست؛ بحث به پا داشتن حماسه‌ست. مثلا به پا داشتن حماسه حسینی‌ست. موضوع مهمی هم هست، اینه که ما بتوانیم برای خودمون، به معرفت یک موضوعی برسیم و بگیم: «ما راه حسین رو میریم؛ راه یزید رو نمیریم!».

حضار: استاد باید با گریه این رو نشون بدیم؟ چون در عمل که نمی‌تونیم نشون بدیم.

استاد: بستگی داره که برداشت شما چی باشه. ضمنا ما اشک شوق هم داریم، حالا اگر صحبت از اشکه؛ هم اشک غم داریم و هم اشک شوق داریم. الان ثابت شده که ترکیبات شیمیایی اشک شوق با ترکیبات شیمیایی اشک غم فرق می‌کنه. اشک غم مسمومه. بنابراین این موضوع بستگی به این داره که منظور و برداشت شما چی باشه.

حضار: غم و اندوه رو هم میشه مثبت و منفی تعریف کرد یا نه؟

استاد: بله، هست دیگه! هم اشک شوق داریم و هم اشک اندوه و حزن. اشک رو در هر دو حالتش داریم. مثلا می‌گیم «اشک شادی»، ترکیبات شیمیایی اونها هم با هم فرق می‌کنه.

ـ ایفای نقش آتش توسط گروه A موجودات غیر ارگانیک به‌منظور پختگی انسان:

مطلبی که در مورد ابلیس و جن وجود داره، اینه که گفته شده هر دو از یک خانواده هستند. از طرف دیگه، ابلیس میگه: «خَلَقتنی مِن النّار»؛ یعنی من رو از آتش آفریدی.

در نتیجه، جن و ابلیس هر دو آتش هستند.

انسان، خاکه.

آتش باعث پختگی خاک میشه.

خاک می‌تونه آتش رو خاموش کنه.

این رمز خاک و آتشه که با هم در موردش صحبت می‌کنیم. در واقع اینها باعث پختگی ما می‌شند؛ چون جن و ابلیس عامل آزمایش هستند.

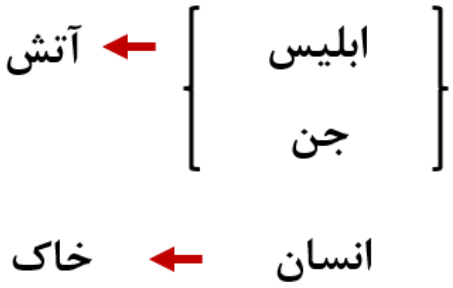

گزارش درمان: من اومدم خدمت شما، چون می‌خواستم تشکر داشته باشم. واقعا احساس می‌کنم که زندگیم رو از شما دارم. وقتی شما از در وارد شدید، من ملتمسانه جلوتون رو گرفتم و شرمنده شدم، گفتم: «استاد! تا من مطلبم رو نگم؛ نمی‌گذارم وارد کلاس بشید!». من شاید حدود یک ماه بیشتره که آنقدر حالم بد بود که نمی‌تونستم کلاس بیام. من حالتی داشتم که نمیشه بهش «دوبینی» گفت، من یک جسم رو شش، هفت، هشت تا می‌دیدم. یواش یواش در حدی کم شد که الان دیگه حالتم طوری شده که امروز بعد از یک ماه تونستم با حال مساعد بیام کلاس. گزارش من پاسخ آقایی‌ست که پرسیدند آیا ممکنه تشعشع دفاعی، روی شخص تداوم داشته باشه یا نه. من از حمایت و کمکی که شما به من کردید؛ ممنونم. تشعشعی که شما به من دادید؛ واقعا پشتیبان من در مقابل این موجودات بود. خواستم از شما تشکری کنم.

استاد: خیلی ممنون، خیلی متشکر، براشون دست بزنید، خیلی سپاسگزارم، دستتون درد نکنه.

گزارش: ببخشید استاد! خیلی دوست داشتم همه شماها خودتون رو در حالت من قرار می‌دادید، روی تخت بیمارستان، ۹ تا دکتر شورا کردند و به هیچ جا نرسیدند! ام‌آرای (MRI) کردند، اسکن (Scan) کردند؛ ولی... متشکر از استاد و وجود پربرکتشون.

استاد: خیلی ممنون، خیلی متشکر، سپاسگزاریم. خدا رو شکر می‌کنیم که الان شما هم می‌تونید همین کمک‌ها رو به دیگران ارائه کنید؛ یعنی شکرگزاری من از این بابته. در واقع این گزارش‌ها داره به شما کمک می‌کنه که شما هم عینا همین کارها رو برای دیگران انجام بدید و هیچ تفاوتی هم نداره.

توضیحات حلقه کنترل تشعشع منفی سه (جلوگیری از مسخ و نفوذ):

حلقه کنترل تشعشع منفی سه برای جلوگیری از نفوذ هست.

منظور از نفوذ اینه که مثلا شما شنیدید: «نفوذ در دیگران» یا «چگونه در دیگران نفوذ کنیم؟». سوال اینه که چرا نفوذ کنیم؟ به چه نیتی نفوذ کنیم؟ کی به ما اجازه میده که نفوذ کنیم؟ کی دوست داره بهش نفوذ کنند؟

در واقع موضوع مسخ و اعمال اراده و اعمال فکر و این مسائل، به‌خودی خود یک وادی مهمی در عرفان قدرت هست و برای کسانی‌ست که دنبال قدرت و قدرت طلبی هستند؛ بنابراین به طرقی این اتصال رو پیدا می‌کنند و موفق می‌شند که به دیگران نفوذ کنند. بعد از اون هم موضوع به شکل‌های مختلف مثل فکرخوانی، مسخ دیگران، خواندن شخصیت و این‌گونه مسائل آغاز میشه و بعد هم از اونجا که این مسئله به‌خودی خود جذابیتی داره؛ فرد بعد از یک مدتی کاملا جذب مسئله میشه و بیرون اومدنش دیگه به این سادگی نیست.

امروزه در دنیا روی این قضیه خیلی کار شده و در تمام دنیا خیلی‌ها دارند از این قضایا استفاده می‌کنند و ما در این خصوص با کِیس‌ها و مواردی برخورد می‌کنیم که واقعا تعجب برانگیزه. در حال حاضر هم این مسئله با موارد بسیار زیادی خصوصا در بین جوان‌ها خیلی جذابیت داره و اونها هم جذبش می‌شند و مقدمه‌ای برای کار با شبکه منفی میشه. به هر صورت شما هم با این موارد برخورد خواهید کرد و ما بایستی در قبال این قضیه مجهز باشیم. این یکی از شایع‌ترین مواردی‌ست که ما قطعا باهاش برخورد می‌کنیم و هم خودمون در معرضش قرار داریم و هم می‌بینیم که دیگران رو از این طریق

در معرض قرار دادند. آمار این مسئله بسیار عجیب و غریبه! به هر حال بعد از اینکه کار کردید و باهاش برخورد کردید؛ این رو بیشتر متوجه می‌شید. در واقع کنترل تشعشع منفی سه جلوگیری از نفوذ و مسخ کردنه، چه برای کسی که این کار رو انجام میده و چه برای کسی که در معرض این کار قرار گرفته. این حلقه اجازه نمی‌خواد و راه دور و نزدیک هم نداره؛ بیرون‌ریزی هم به اون‌صورت نداره.

من مختصر و مفید توضیح دادم، اگر سوالی هست؛ بفرمایید تا بعد ارتباطش رو برقرار کنیم. من باز هم توضیحات بیشتری میدم؛ خودتون هم ببینید چه تجاربی کسب می‌کنید تا در این مورد صحبت کنیم.

سوال: استاد! اگر کنترل تشعشع منفی سه رو از راه دور برای کسی اعلام کنیم و خود اون شخص این رو نخواد؛ چطور میشه؟

استاد: بحث اینجاست که توضیح دادیم موضوع طلب خیر برای خودش یک حیطه‌ای رو شامل میشه. بغل دستی شما نمی‌تونه به شما بگه برای من طلب خیر نکن! شما می‌تونید شفاعت کنید، می‌تونید شفیع باشید و برای هر کسی طلب خیر کنید. لذا طلب خیر برای خودش یک محدوده‌ای رو تشکیل میده که شامل هدایت میشه. مثلا شما می‌تونید در مورد هر کسی بگید: «خدایا او رو به راه راست هدایت کن!». آیا می‌تونند بگن که شما حق نداری برای من دعا کنی که خدا من رو به راه راست هدایت کنه؟ نمی‌تونند! چون این مطلب بحث عامه؛ شما می‌تونید برای هر کسی دعا کنید که در معرض «یوسوس فی صدور الناس» و در معرض تشعشعات مختلف قرار نگیره. کسی نمی‌تونه به شما بگه: «حق نداری برای من دعا کنی که من در معرض تشعشعات منفی و پارازیت شعوری و... قرار نگیرم! من به شما اجازه نمیدم برای من دعا کنید!»

حضار: ولی میگن استاد!

استاد: اونها بگن. مثلا می‌گیم: «خدایا همه رو به راه راست هدایت کن!». نمی‌تونند یک‌دفعه به ما هجوم بیارند که: «نخیر! حق ندارید ما رو دعا کنید که ما به راه راست هدایت بشیم!». چون این یک بحث عامه.

حضار: خیلی‌ها هستند که ناراحت می‌شند و میگن مگه ما در راه راست نیستیم؟

استاد: بله، «هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد»؛ همه در جهان به دعا و هدایت نیاز دارند؛ کیه که نیاز نداشته باشه؟ اونها مفهوم هدایت رو نمی‌دونند و میگن: «مگر ما دزدیم؟! مگر ما قاتلیم؟! مگر ما جانی هستیم؟! و...». اونها مفهوم هدایت و منظور ما رو نمی‌دونند. لذا شما می‌تونید برای همه کار کنید؛ اینها تشعشعات مجاز هستند و همه اونها هم در حیطه طلب خیر کردن و استخاره‌ست.

سوال: ببخشید در مورد کنترل تشعشع منفی سه، آیا ممکنه اون افرادی که می‌خوان نفوذ کنند از طریق کالبدهای ذهنی باشه؟

استاد: بله، از طریق موجود غیر ارگانیک. خیلی‌ها با روح یا کالبد ذهنی مَچ (Match، هماهنگ شدن) شدند و بعضی‌ها هم با جن مچ شدند. مثلا بعضی از دوستان تجربه دارند که یک جاهایی رفتند که احضار می‌زنند. اونها عمدتا با جن و این موجودات مچ (Match) هستند و همونجا هم اطلاعاتی رو از یک جاهایی به شما میدن که اون اطلاعات کاملا درسته. خیلی‌ها با جن همراه و مچ شدند و بعضی‌ها هم با کالبد ذهنی، مچ و همراه شدند و در این رابطه خیلی استفاده‌ها می‌کنند. حتی در حدی که به‌محض دیدن شما فورا اسم و فامیل و محل سکونت شما رو میگن. در واقع اون موجود غیر ارگانیک، همه جزئیات رو راجع به شما به اون شخص میگه و او هم به شما میگه. به علت اینکه اونها ها هم در این کار، دقیقا اطلاعاتشون رو با این قضیه جور کردند و این همراهی رو هم با هم شروع کردند.

ـ راه‌های مختلف نفوذ (مسخ): نوع نفوذها متفاوته؛ بعضی‌ها مسئله نفوذ رو با کمک اتصال به شبکه منفی صورت میدند و بعضی‌ها در رابطه با موجودات غیر ارگانیکشون. یعنی موجودات غیر ارگانیک رو می‌فرستند منزل طرف و تمام جزئیات رو می‌بینند یا می‌فرستند درون و... و کارهایی رو در این زمینه انجام میدن. اما شما به‌طور کلی، زمانی که شما از کنترل تشعشع منفی سه استفاده می‌کنید؛ اون ماجراها رو جمع و جور می‌کنه. چون اونها به منزله تسخیر دائمی نیامدند، بلکه اومدند تا مسخ کنند و اعمال اراده کنند.

ـ تفاوت مسخ و تسخیر با یکدیگر: مسخ با بحث تسخیر که در اون، غیر ارگانیک دیگه اومده و در اختیار اون منبع صادر کننده نیست؛ تفاوت پیدا می‌کنه. اینجا در حدیه که اون غیر ارگانیک، بخشی از ستاد رو در اختیار بگیره و فردی که قصد مسخ داره، اعمال

نظر و اعمال اراده کنه و کارهایی کنه و اون غیر ارگانیک هم اون دستورات رو در ستاد پیاده کنه.

حضار: یعنی با دفاعی نمیره؟

استاد: دفاعی نمی‌خواد! اگر صرفا اون مسئله مسخ باشه؛ کنترل تشعشع منفی سه حلش می‌کنه.

سوال: پس بیرون‌ریزی هم ممکنه داشته باشه؟

استاد: نه! عمدتا بیرون‌ریزی به اون‌صورت نداره. بیرون‌ریزی فقط مال کسیه که ویروس اومده و به او قفل شده و بیرون نمیره. یعنی اگر در یک کِیسی اگر غیر ارگانیک فرستاده باشند و اونجا قفلش کرده باشند و دائم مونده باشه؛ نهایتا مسائلی رو میاد که شما مجبور می‌شید برای کندن اون غیر ارگانیک از تشعشع دفاعی استفاده کنید. اما اگر اینطور نباشه و فقط برای کسب اطلاع و اعمال نظر اومده باشه؛ ساکن دایمی نیست و به‌راحتی با همین کنترل تشعشع منفی سه میره بیرون و قطع میشه. البته این سوال مهمی بود؛ دوستان توجه کنند! منتها اگر من زیاد توضیح نمیدم؛ به‌خاطر اینه که ذهن افراد زیاد درگیر نشه و بدونند که اگر موضوع مسخ در میانه؛ کنترل تشعشع منفی سه بدند و زیاد درگیر «اگر این، آنگاه آن» و این مسائل نشند. در واقع منظور من این بوده که به‌صورت کاربردی استفاده کنند تا در زمان خودش، تجربه‌اش کنند و بدونند که موضوع از چه قراره.

ـ مراحل مختلف نفوذ:

نفوذ به هر منزله‌ای که باشه؛ با این حلقه برطرف میشه.

- **مرحله موقت نفوذ:** یک بُعد نفوذ، خواندن افکاره و شخصیت خوانی و... هست که اونها مرحله‌های موقتشه.
- **مرحله دائم نفوذ:** یک مراحل دائمی داره که در واقع اعمال فکر و اراده است.

ـ ادامه مبحث راه‌های مختلف نفوذ (مسخ):

سوال: ببخشید استاد! شامل کسانی هم میشه که تسخیر موجودات شیطانی باشند؟

استاد: منظور چیه؟

ادامه سوال: یعنی این تسخیر شامل اون هم میشه؟

استاد: منظورتون رو یک‌خرده واضح تر بگید؛ تسخیر کی؟ اونی که انجام میده یا اونی که مورد تسخیر قرار می‌گیره؟

تسخیر قلوب
نفوذ
مسخ
اعمال فکر و اراده

ادامه سوال: کسی که مورد انجام قرار گرفته.

استاد: اصلا خود بحث «تسخیر شیطانی»، باید معنی بشه. خیلی از موجودات غیر ارگانیک، اگر ازشون سوال کنید، میگه من شیطانم! من اصلا خود شیطانم! اینها در محاوره و در کلامه. ما یک کاراکتر (Character، شخصیت) منفی داریم و یک کاراکتر مثبت داریم. اونی کاراکترش منفیه، اصلا در کاراکتر شیطانی هست، لازم نیست بگه اسم من شیطانه! اصلا اسم شیطان، یک نمایندگی‌ست برای یک جریان کلی. حالا سوالتون رو یک‌خرده مشخص‌تر کنید.

ادامه سوال: افرادی که تحت تسخیر موجودات شیطانی قرار می‌گیرند؛ منظورم اونها هستند؟

استاد: تحت تسخیر موجودات غیر ارگانیک قرار می‌گیرند؟ از طرف کی و چه‌طوری؟

بعضی از این کارها و همون اعمال نفوذ، از طریق موجودات غیر ارگانیک انجام میشه؛ یعنی اون فرد، این تسخیر رو به وسیله موکلش انجام میده. در اصل، فرد دنبال یک‌سری قضایایی میره و به دنبال اون قضایا موکل می‌گیره و وقتی موکل گرفت؛ حالا از موکلش برای اعمال نفوذ استفاده می‌کنه.

سوال: پس بدون ویروس نمیشه؟

استاد: میشه. اصلا یکی از روش‌های نفوذ، اتصال مستقیم به شبکه منفیه. در واقع برای نفوذ، هم راه‌های اتصال به شبکه منفی وجود داره و هم راه‌های استفاده از موجودات

غیر اگانیک وجود داره؛ هر دو تاش میشه. اما مثلا می‌بینید که یک نفر به شبکه منفی وصله و مستقیما از طریق اتصالش اعمال اراده و اعمال قدرت می‌کنه، نفوذ می‌کنه و شخص مورد نظرش رو در اختیار می‌گیره و غیر ارگانیکی در کار نیست.

ما با چند مورد برخورد کردیم، البته موارد و تجارب زیاده و نمی‌تونیم همه موارد رو عنوان کنیم. ولی به‌طور کلی، اون طرفی که می‌خواد اعمال اراده رو انجام بده؛ به دو شکل صورت می‌گیره. چند مورد از این تجارب به شکل آشکار اتفاق افتاده، البته این تجارب زیاد هستند و من فقط یک نمونه از کیس‌ها رو خدمتتون میگم. مثلا یک آقایی بودند که از طریق یک آقای ۶۵ ساله روی همسر ۲۰، ۲۱ ساله ایشون به‌طور خیلی آشکار نفوذ اعمال شده بود. ابتدا به ساکن، قدرت‌نمایی‌هایی جلوی این زن و شوهر کرده بود که حتی اگر داخل خونه‌شون چیزی جابجا میشده؛ این ازش مطلع بوده. بعد از این قدرت‌نمایی، در مرحله به اون خانم میگه: «شما باید از این آقا جدا بشی و با من ازدواج کنی! من می‌تونم شما رو به کمال برسونم؛ این آقا نمی‌تونه!»؛ این مرحله بعده. یکی از دوستان پزشک ما بلافاصله این دو نفر رو که اتفاقا بستگی هم داشتند و گفته بودند که ما در معرض چنین قضیه‌ای قرار گرفتیم؛ آورده بود اینجا. اون آقا آنقدر روی اینها اعمال قدرت و وحشت کرده بود که اینها در خودشون نمی‌دیدند که هیچ کاری انجام بدند. به هر حال از این موارد بسیار بسیار زیاد اتفاق می‌افته و چنان اعمال قدرتی شده که اون افراد اصلا جرات نمی‌کنند کاری کنند. تازه این کار آشکاره؛ کارهای پنهان که دیگه جای خود. پس از نقطه نظر کار آشکار، این نمونه کار آشکاره. به هر حال اون دو نفر با ترس و لرز و شک و تردید آمده بودند و نگران بودند که آیا ما می‌تونیم بهشون کمک کنیم که وضع از این بدتر نشه!

منظور اینه که این قضایا وجود داره که به‌صورت اتصال مستقیم به شبکه منفی و یا استفاده از موجودات غیر ارگانیک انجام میشه. استفاده از موجودات غیر ارگانیک مرسوم‌تره؛ لااقل در ایران مرسوم‌تره. به این‌صورت که خیلی ساده میرن تو این قضایا و کارهای مربوط به نحوه تسخیر موجودات غیر ارگانیک رو انجام میدند و اصولا موکل می‌گیرند و بعد، از موکلشون برای این قضایا استفاده می‌کنند. این یک کار خیلی خیلی مرسومه و اتفاقا شما خیلی جاها می‌شنوید و مثلا در قالب دعاها می‌خوانید: «تسخیر قلوب». درسته؟

حضار: بله.

استاد: تا حالا کی سوال کرده که آخر تسخیر قلوب روی چه حسابی؟ هیچ کسی هم فکرش رو نکرده! از هر چند تا دعا و موارد این‌چنینی که دوستان برای نمایشگاه ما میارند؛ شاید یکیش در مورد همین موضوعه. یعنی اگر با دقت نگاه کنیم؛ می‌بینیم که در یک جای اون، موضوع تسخیر رو نوشته. یعنی بحث مسخ قلوب، تسخیر قلوب هست. اونی که ما باهاش برخورد کردیم، یک ماجرایی‌ست که واقعا خیلی شیطانی بوده و از مواردی‌ست که شیطانی‌ست.

سوال: استاد ببخشید! این دعای نادعلی رو که برای تسخیر قلوب می‌خونند هم اشکال داره؟

استاد: این یک مطلبیه که صحبت‌های زیادی داره. توجه بفرمایید که برداشت چیه یا اون چیزی که داره ازش استفاده میشه؛ چیه. بنابراین ما بایستی دقیقا مطالب رو بررسی کنیم و ببینیم که چی می‌خواد بگه و منظور چیه. اون کاری که ما میگیم، مدارک و استناداتش رو داریم که دقیقا میگه اگر این کار رو انجام بدی؛ اون بی‌قرار میشه. حتی احضار زنده هست که یعنی الان بی‌قرارش کنیم تا بیاد. همه اینها استناد داره و در کتاب‌های معتبر، دستور العمل‌های معتبر داریم. منتها همونطور که عرض کردم، باید اینها رو در همون نمایشگاه طلسم و جادو بیاریم که شما ببینید. بعضی از اینها هستند که بعد از اینکه یک‌سری چیزهایی روشون نوشته بشه، مثلا می‌نویسند: «به حق بسم الله بی‌قرارش کردم! به حق ایاک نعبد بی‌قرارش کردم!» و بعد اون رو روی آتش می‌گذارند و اوست که دیگه بی‌قرار بشه و بیاد. اینها همه دستورالعمل‌هایی‌ست که اگر یک نگاهی به کتب علوم غریبه کرده باشید؛ حتما از این مسائل دیدید. حالا اگر ندیدید، ما با مدارک و استنادات اینکه جاری شده و کار انجام شده، در نمایشگاه میاریم تا ببینید. اگر یک‌خرده فضا بازتر بشه، ان‌شاءالله ما اینها رو در نمایشگاهی که توضیح دادم، عرضه می‌کنیم و این منابع، کتب و همه اینها رو نشون میدیم و بعد می‌پرسیم که چگونه ممکنه کسانی که صرفا یک دو دوتا چهارتای انسانیت رو در مسائل‌شون لحاظ کنند؛ بتونند اقدام به چنین قضیه‌ای کنند. می‌دونید احضار زنده یعنی چی؟ یعنی اینکه ما از اون سلب اختیار کنیم و این احضار فرد زنده در دستورالعمل‌ها هست. در دستورالعمل تسخیر قلوب میگه قلب فلانی، زاده فلانی را... و دقیقا مشخصه که بحث مسخه؛ هیچ هدف معنوی پشت این قضیه نیست.

سوال: کلاس‌هایی هستند برای رسیدن به موفقیت که این عناوینی که شما می‌فرمایید، مثل نفوذ در دیگران در اونها تدریس میشه. ولی می‌خواستم ببینم همونطور که شما می‌فرمایید که خیلی از مسائل در روح جمعی اثر می‌کنه، آیا مثلا بدون اینکه کسی این کلاس رو بره؛ این هم در اون اثر می‌کنه؟ یعنی چنین کارهایی در روح جمعی اثر می‌کنه؟

استاد: این بحث نفوذ در دیگران، در یک جا آیین دوست یابیه که شامل یک‌سری روش‌ها و تکنیک‌هایی‌ست که چگونه با مخاطبمون صحبت کنیم، چگونه تعریف کنیم، چگونه تمجید کنیم و... در این‌صورت نه نفوذی صورت گرفته و نه کار خلافی رخ داده! اما در یک جایی صحبت از چیزهای دیگه‌ست و ماجرای دیگری مثل دیدن هاله طرف مقابل و خواندن شخصیتش و این‌گونه مسائل پیش میاد که به یک نوع‌هایی بحث یک نفوذ دیگه است. در واقع به‌نحوی بحث اینه که ما چگونه بر اون فرد سوار بشیم و این از راه بدست آوردن دل اون فرد نیست؛ بلکه از راه‌های دیگه‌ست. لذا در بحث نفوذ در دیگران، یک جا بحث مردم‌داری‌ست و در یک جا بحث نفوذ غیرمعموله.

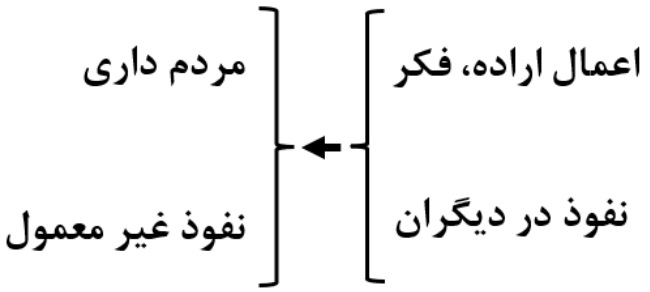

ادامه سوال: ببخشید استاد! همین نفوذ ارادی رو عرض می‌کنم که آیا میشه یک نفر روی اراده یک نفر دیگه تسلط داشته باشه؟

استاد: این میشه اعمال اراده.

ادامه سوال: یعنی بدون اینکه کلاسی رفته باشه، بدون اینکه طلسمی کرده باشه و اگر اصلا ندونه شبکه منفی هست؛ امکان پذیره؟

استاد: توجه بفرمایید که اگر قرار باشه چنین چیزی رخ بده؛ به شما گفته نمیشه که بیاید به شبکه منفی متصل بشیم و اراده کنیم! بلکه بهتون میگن یک تکنیکی هست که بتونیم اراده‌مون رو به فرد مقابل اعمال کنیم و شما هم به‌عنوان یک تکنیک بهش نگاه می‌کنید. بعد اون مسئله‌اش رو جاری می‌کنه و جاری شدن این مسئله، شما رو به شبکه

منفی وصل می‌کنه و بعد این اعمال ارده انجام میشه و شما هم نمی‌دونید که چه اتفاقی افتاده. پس بدون هیچی، این کار انجام نمیشه.

ادامه سوال: کاملا مطمئنم! افراد زیادی رو می‌بینم که بدون اینکه اصلا کلاسی رفته باشند؛ دارند اراده خودشون رو در حوزه خودشون تحمیل می‌کنند.

استاد: مگر برای متصل شدن، حتما کلاس رفتن الزامی‌ست؟ بعضی‌ها خودشون در اتصال انفرادی هستند، یعنی به‌صورت انفرادی متصل شدند؛ حالا یا در یک حوزه کوچک یا در یک حوزه بزرگ. مثلا بعضی‌ها بدون اینکه اصلا بدونند شبکه منفی چیه؛ متصل شدند و آینده رو می‌بینند یا در همین مسئله که شما گفتید، طرف اعمال نفوذ می‌کنه و این مسائل رو داره. وقتی هم که در موردش باهاشون صحبت می‌کنیم، میگن ما نمی‌دونیم چی به چیه! اما این از کجا استفاده شده؟ از قانون بازتاب.

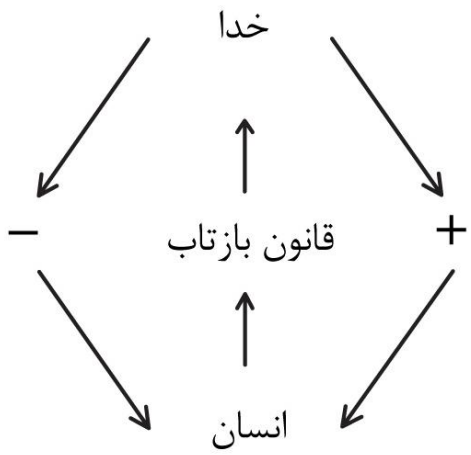

طبق شکل بالا، می‌بینید که این فرد اشتیاق نفوذ و تسلط داشته. حکمت الهی، باید هم به اشتیاق تسلط پاسخ بده و هم به اشتیاق کمال باپاسخ بده. هر اشتیاقی باید پاسخ بگیره؛ این حکمت الهیه. این اشتیاق میاد بالا و بعد «یهدی من یشاء و یضل من یشاء». اگر اشتیاقش به قدرت باشه؛ پاسخ می‌گیره. یعنی اصلا هیچ جا هم نرفته، کلاسی هم نرفته؛ ولی مستقیم متصل میشه به شبکه منفی. در واقع مزد اشتیاقش رو می‌گیره و اگر شما برگردید به بیوگرافیش، می‌بینید که او تشنه این نفوذ بوده و این نفوذ رو می‌خواسته.

گزارش: داماد کوچک خانواده ما یک حالتی داره و کلامش به‌گونه‌ایه که وقتی می‌خواد یک نیتی که داره، انجام بشه؛ همه تحت تاثیر قرار می‌گیرند. در مورد خود من، بارها شده

که مثلا پیشنهاد یک گردش ساده رو کرده و هر کاری کردم؛ نتونستم بهش «نه» بگم. اصلا در فامیل شهره عام شده که مهره مار داره. مثل همون که شما فرمودید انفرادی کار می‌کنند و در اتصالی نیستند.

استاد: به هر حال بعضی‌ها از طریق ارتباط جمعی میرن تو اون قضیه و بعضی‌ها هم طبق همون قانون بازتاب، بازتابشون بهشون برمی‌گرده. اگر قدرت بخواد، به قدرت میرسه و اگر کمال بخواد؛ به کمال میرسه. یعنی حکمت الهیه، این «یهدی من یشاء و یضل من یشاء» که توضیح دادیم؛ در واقع همینجاست.

سوال: عذر می‌خوام استاد! بعضی‌ها ممکنه اراده قوی داشته باشند و طبعا روی دیگران تاثیرگذار هستند؛ بدون اینکه کار خاصی کنند یا بخوان افراد رو تحت نفوذ خودشون دربیارند. به‌طور عادی، آدم‌های قوی الاراده دیگران و اطرافیان خودشون رو تحت تاثیر قرار میدند. آیا این مسئله، هر جور تاثیرگذاری رو شامل میشه؟

استاد: آخه چگونه؟ «اراده» باید اراده تعریف بشه و مسائل دیگه بررسی بشه و بعد که همینطور پیش میریم؛ می‌بینیم که او داره از اراده خودش در جهت سلب اختیار دیگران استفاده می‌کنه. هر عملی که باعث سلب اختیار دیگران بشه؛ منفیه. حالا اگر از شبکه منفی گرفته باشه یا اصلا از خودش باشه، اگر سلب اختیار کنه؛ منفیه. فرض کنید که من اراده‌ای بسیار قوی دارم و می‌تونم مثلا از ایشون سلب اختیار کنم. این عملی که من انجام بدم، یعنی عمل سلب اختیار، در دنیای عرفان از گناهانه. ممکنه بیرون جزء گناهان نباشه، اما در اینجا عملی که باعث سلب اختیار بشه؛ اون عمل اشکال داره.

سوال: معمولا رهبرها، مثلا شخصیتی مثل گاندی، قدرت مجذوب‌کنندگی زیادی در بین جمعیت دارند و دیگران رو تحت تاثیر قرار میدند و دیگران از اونها تبعیت می‌کنند. منظور شما که این افراد نیست!

استاد: توجه بفرمایید که انبیاء، رهبران، مثلا گاندی چگونه شده گاندی؟ چگونه نفوذ پیدا کرده؟ گاندی که یک شبه گاندی نشده! بی‌دلیل هم یک شبه به حرفش گوش نمیدند؛ طبق همون بحث قبلی‌مون یک سرمایه‌گذاری داره و طبق یک سرمایه‌گذاری، لیاقتش رو از نقطه‌نظری به اثبات می‌رسونه. مثلا هیتلر که یک شبه هیتلر نمیشه! میاد به‌مرور زمان خودش رو برای یک ملتی توجیه می‌کنه و بعد از اونه که اون ملت در جهت اهداف او

همراهش می‌شند. یعنی فکرش رو قبول می‌کنند، اگر فکرش رو قبول نمی‌کردند؛ باهاش همراه نمی‌شدند. آلمان که جمعیت چندانی نداشته؛ ولی فکرش رو قبول می‌کنند. با این استدلال که چون صنعت آلمان از همه دنیا بالاتر رفته؛ پس طبق تفکر او پیش بریم و یک فکر غلط رو می‌پذیرند. بنابراین مسئله اینجاست که باید در این میان، یک چیزی برای عرضه وجود داشته باشه؛ یا مثبت یا منفی. بدون سرمایه‌گذاری نمیشه! گاندی که بی‌دلیل در هند و بعد هم در دنیا به‌عنوان محبوب قلب‌ها نبوده! به دنبال خودش سرمایه مثبت داشته و ما می‌تونیم چهار کلمه ایده مثبت از افکارش دربیاریم و بعد ببینیم اون نفوذی که او داشته؛ نفوذی نیست که ما داریم راجع بهش صحبت می‌کنیم. بلکه نفوذی‌ست که پشتش سرمایه و کار خوابیده. مثلا چرا از امیرالمومنین (ع) صحبت می‌کنیم؟ چون یک سرمایه‌گذاری پشتش خوابیده. ولی بحث نفوذ اینطوری نیست! سرمایه‌ای پشتش نخوابیده، بلکه یک عامل دیگری این وسط داره کار انجام میده. یعنی ما می‌تونیم آمار بگیریم که چرا گاندی محبوبه و اون کسی هم که گاندی براش محبوبیت داره؛ می‌تونه دلیلش رو بیاره. اما در مورد این ماجراهای نفوذ که ما ازش صحبت می‌کنیم، طرف میگه: «نمی‌دونم!». در مواردی که ما باهاشون برخورد کردیم و کار کردیم؛ طرف میگه: «نمی‌دونم!». ولی یک ماجراهایی در میانه؛ مثل همین قضیه‌ای که خدمتتون تعریف کردم.

سوال: استاد ببخشید! نفس محبوب واقع شدن اشکال داره؟ مثلا فرض کنید یک نفر دلش می‌خواد که دیگران دوستش داشته باشند؛ در همین حد. این یک مسئله‌ایست که انسان‌ها به‌طور عادی خواهان اون هستند. فرض کنید یک نفر در دعای خودش بخواد که محبوب باشه و دیگران دوستش داشته باشند؛ آیا این به این قضیه ربطی داره یا نه؟

استاد: نه! بعد از این خواست، اون شخص با خودش میگه چکار کنم که محبوب باشم؟ طبیعتا به یک‌سری اصول برمی‌خوره، مثلا باید مردم‌دار باشه، باید انسان باشه، باید محبت کنه؛ بی‌دلیل که نمیشه! این سرمایه‌گذاری می‌خواد. یک سرمایه‌گذاری معنوی می‌خواد که اگر بتونه سرمایه‌گذاری معنویش رو انجام بده؛ محبوب میشه. اما اگر نتونه؛ ممکنه به مهره مار یا چیز دیگری در این رابطه پناه ببره. همه اینها در دستور العمل‌ها هست.

سوال: استاد مهره مار چی هست؟

استاد: هیچی! مهره مار به خودی خود چیزی نیست، اون وردی که بهش می‌خونند؛ مهمه. اگر قرار بود که مهره مار بتونه برای ما محبوبیت ایجاد کنه، الان یک مار روی زمین پیدا نمی‌شد؛ چون نسلشون رو برداشته بودیم. پس به این چیزها نیست، ولی کسانی که این کارها رو می‌کنند، روی اینها ورد می‌خونند و یک‌سری کارهایی می‌کنند که موکل یا موجود غیر ارگانیک باهاش همراه میشه. خود اون مهره مار ظاهرشه؛ ولی باطنش یک مسئله دیگه‌ای داره. همه ما می‌خوایم محبوب همدیگه باشیم و مورد قبول همدیگه واقع بشیم و بهمون احترام بگذارند؛ پس این یک مسئله خواست عمومی‌ست. منتها راه داره و راهش اینه که باید سرمایه‌گذاری کرد، باید مردم‌داری کرد، باید گذشت داشت و غیره.

حضار: آخه اون کارها سخته!

استاد: بله سخته! از اونجایی هم که سخته؛ می‌خوان که راه‌های میانبر طی بشه و راه میانبرش هم میشه این‌قبیل قضایا که متاسفانه هم خود فرد و هم دیگران رو درگیر می‌کنه و باعث متلاشی شدن زندگی‌ها و ثبات فکری و سایر مسائل افراد میشه.

علل و عوامل مشترک آلودگی به موجودات غیر ارگانیک:

بعضی از عوامل، امکان آلودگی به هر دو گروه A و B از موجودات غیر ارگانیک را فراهم می‌آورد و تنها به یکی از آنها اختصاص ندارد. این عوامل عبارتند از:

ـ قرار گرفتن در فاز منفی: مهم‌ترین زمینه نفوذ ویروس‌های غیر ارگانیک، قرار گرفتن در فاز منفی است. احساساتی مانند ترس و وحشت، عصبانیت، غم و اندوه، اضطراب، ناامیدی، نگرانی، احساس گناه و...، حتی دچار شدن به طلسم و جادو، تنها در صورتی رخ می‌دهد که فرد چنین خطایی مرتکب می‌گردد.

همچنین قرار گرفتن در فاز منفی در گورستان‌ها که محل تجمع کالبدهای ذهنی بر جا مانده است؛ خطر آلودگی به ویروس غیر ارگانیک را افزایش می‌دهد.

«إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»

نجوا از شیطان است تا اینکه مومنین را محزون و غمگین کند، هیچ ضرری به انسان نمی‌رساند مگر به اذن الله (قوانین الهی)، پس بر خدا توکل کنید.

(سوره مجادله- آیه ۱۰)

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی‌شوند.

(سوره یونس- آیه ۶۲)

ـ استفاده از موجودات غیر ارگانیک: استفاده آگاهانه یا ناآگاهانه از موجودات غیر ارگانیک به‌منظور پیشگویی و طالع بینی، طلسم و جادو و انجام امور مختلف دیگر (مانند احضار روح)، یکی از عوامل آلودگی به آنها می‌باشد. برای مثال در جریان فال قهوه یا هر نوع فال دیگر، با این موجودات غیر ارگانیک ارتباطی برقرار می‌شود که چه فرد بداند و چه نداند زندگی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در حقیقت، اَشکالِ نقش‌بسته در فنجان قهوه، تصاویر ورق یا سایر امکانات فالگیری نیست که اطلاعات لازم را در اختیار فالگیر قرار می‌دهد، بلکه به‌دنبال اشتیاقی که دارد؛ القائات موجودات غیر ارگانیک، او را به آگاهی مورد نظر می‌رساند و از آن به بعد آثار تسخیر بروز می‌کند. به همین دلیل بیشتر افراد فالگیر، خود زندگی نابسامانی دارند و اداره امور زندگی آنها در دست ویروس‌های غیر ارگانیک است. همچنین مراجعه کنندگان به آنها نیز از این آلودگی بی‌نصیب نخواهند بود.

ـ طلسم و جادو: قرار گرفتن در معرض آن دسته از طلسم‌هایی که به کمک موجودات غیر ارگانیک جاری می‌شوند؛ باعث آلودگی به این موجودات خواهد شد. برای جاری شدن این طلسم‌ها اغلب از اشکال، اعداد، نوشته‌ها و یا خطوط خاصی استفاده می‌شود که حتی گاهی بی‌مفهوم به نظر می‌رسد؛ اما هر کدام از آنها حداقل یک موجود غیر ارگانیک را فعال می‌کند.

بعضی از افرادی که از این خطر آگاه نیستند؛ گاهی به‌منظور کارگشایی، ایجاد مهر و محبت و.... به سراغ کسانی می‌روند که از این راه، آنها را به مقصودشان می‌رسانند. آنها خبر ندارند که موجودات غیر ارگانیک به بهانه این خدمت، کم کم کنترل و اداره امور

زندگی‌شان را به دست می‌گیرند و یا اگر گره‌ای را می‌گشایند؛ به‌دنبال آن صد گره دیگر در امور جاری زندگی آنها ایجاد می‌کنند.

مبادرت به انجام طلسم و یا درخواست آن از کسانی که در این کار مهارت دارند، نه‌تنها به چنین عواقبی منجر خواهد شد؛ بلکه نوعی سرسپردگی به شبکه منفی است.

«وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا»

و مردانی (افرادی) از آدمیان به مردانی (افرادی) از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند. (سوره الجن- آیه ۶)

ـ بهم خوردن همفازی بین کالبدها: انسان دارای کالبدهای مختلف فیزیکی، ذهنی، روانی، اختری و.... است. همفاز نبودن این کالبدها (سست بودن پیوند و رابطه دوطرفه میان هر یک با دیگری) منجر به اختلالاتی می‌شود که دامنه آن از بهم ریختگی‌های معمولی تا مرز جنون آنی می‌باشد. همفاز نبودن این کالبدها که می‌تواند بر اثر مصرف مشروبات الکلی و داروهای روان‌گردان رخ دهد؛ امکان نفوذ موجودات غیر ارگانیک را نیز فراهم می‌کند.

ـ بهم خوردن همفازی بین کالبدها: آلودگی انسان به ویروس‌های غیر ارگانیک می‌تواند در زمان تشکیل نطفه، هنگام تولد و همچنین در طول زندگی او رخ دهد.

با تشکیل نطفه، ویروس‌های غیر ارگانیک پدر به آن انتقال می‌یابند و از این طریق در دوران جنینی، بخش «من برنامه‌ریزی شده» تحت تاثیر این ویروس‌ها و ویروس‌های مادر قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر عامل این درگیری، اشتباهات خود فرد نیست و والدین که خود نیز میراث‌دار گذشتگان هستند در آن ایفای نقش می‌کنند.

در هنگام تولد و با بریده شدن بند ناف، ویروس‌های غیر ارگانیک مادر که تا قبل از این لحظه نیز (به دلیل همزیستی مادر و جنین) از جنین جدا نبوده‌اند؛ به او انتقال می‌یابند و به این ترتیب هر فردی پس از تولد، حامل ویروس‌های غیر ارگانیک والدین خود می‌باشد.

با این امکان انتقال، انواع مختلفی از ویروس‌های غیر ارگانیک، از جمله برخی طلسم‌بانان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و چند نسل پیاپی را درگیر می‌کنند. اما چنان‌که

اشاره شد؛ بسیاری از آلودگی‌های انسان به این ویروس‌ها نیز، در طول زندگی و با دخالت بخش من برنامه‌پذیر رخ می‌دهد که دلیل آن می‌تواند هر یک از عوامل معرفی‌شده دیگر در این بخش باشد.

خود والدین نیز، متاثر از اشتباهات نسل‌های قبل می‌باشند و نه‌تنها از طریق پدر و مادرِ خود آلوده به برخی ویروس‌های غیر ارگانیک هستند؛ بلکه اطلاعات نرم‌افزاری و سخت افزاری وجود آنها را به نسل بعد از خود منتقل می‌کنند. نمونه‌های این آلودگی‌های خانوادگی، فراوان است و حتی در بررسی بسیاری از بیماری‌های ذهنی ناشی از این ویروس‌ها مشاهده می‌شود که نسل‌های قبل نیز مبتلا به آن بیماری بوده‌اند.

مکانیزم قانون بازتاب:

همان‌گونه که ما می‌خوایم متصل به شبکه مثبت باشیم و هدفمون رو تعریف کردیم و داریم در مورد تمام مسائلی مثل کمال و قدرت و ملاک‌ها و میزان‌هایی صحبت می‌کنیم که بتونه نشون بده که ما به شبکه مثبت وصلیم یا به شبکه منفی و خود اون ملاک‌ها رو هم تعریف و اعلام کردیم و حالا دیگه طبق اون ملاک‌ها، خودمون می‌تونیم خودمون رو زیر نظر داشته باشیم، همون‌گونه اتصال به شبکه منفی هم وجود داره؛ فرقی نمی‌کنه! یعنی دو تا شبکه وجود داره که هم میشه به شبکه مثبت متصل شد و هم می‌تونیم به شبکه منفی متصل بشیم. ولی در اتصال به اونها ماجرا فرق می‌کنه. وظیفه شبکه مثبت ارائه اطلاعات کماله، اما شبکه منفی در واقع می‌خواد بر حسب میل ما عمل کنه؛ البته میلی که در جهت کمال نیست. شبکه منفی می‌خواد خواسته‌های من رو بجا بیاره و من رو سوار بر کار کنه و از طریق بالا بردن من و اینکه من رو سوار بر کار کنه؛ در خدمت من باشه. لذا کارهایی که در وادی شبکه منفی صورت می‌گیره؛ در واقع توسط نقطه ضعف انسان هدایت میشه. پس وادی طلب برای شبکه منفی هم وجود داره و همون صحبتی‌ست که پیشتر با هم داشتیم. یعنی باید درخواست کننده وجود داشته باشه و اشتیاقی در بین باشه. مثلا من میگم: «کاش میشد که من یک‌جوری سوار بر دیگران می‌شدم!» و بعد یک‌دفعه شب می‌خوابم و صبح بلند میشم و می‌بینم که می‌تونم فکر بخونم! می‌تونم آینده رو پیش‌بینی کنم و کارهایی این‌چنینی انجام بدم. یک عده‌ای که اینطور هستند؛ میگن ما نمی‌دونیم چطور شد! صبح بیدار شدیم و دیدیم که این قدرت‌ها

رو داریم. ولی دیگه پشتش رو نمی‌بینند که چه زمانی این درخواست رو داشتند یا اشتیاق به خرج دادند که می‌خوان سوار کار بشند. زمانی که اون اشتیاق رو به خرج دادند، طبق قانون بازتاب «الله یهدی من یشاء و یضل من یشاء» که یک‌سری گمراه می‌شند (بازتاب منفی) و یک‌سری هدایت (بازتاب مثبت) می‌شند، چون اشتیاق منفی داشته؛ پاسخ خودش رو گرفته. بیخود و بی‌جهت نمیشه کسی شب بخوابه و صبح بیدار بشه و ببینه که چنین ماجرایی هست.

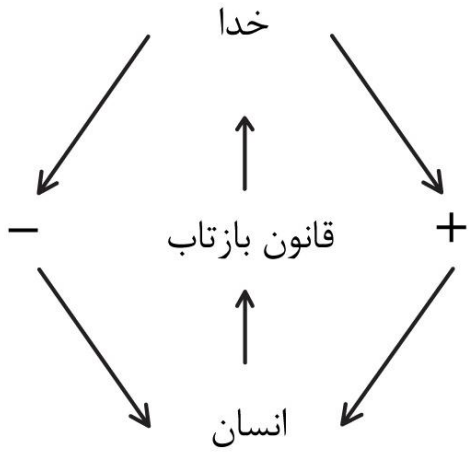

پس این مکانیزم در کاره؛ یعنی قانون علت و معلول. غیر از این نمیشه! من دیگه نمی‌تونم بپذیرم که همینجور یک‌دفعه یک چیزی به یکی اصابت کرده باشه و بعد بگه من این قدرت و اون قدرت رو دارم! توان مدیومیم بالاست! چشم سومم یا چشم برزخیم باز شده! آخه چه‌جوری باز شده؟ باید یک علتی داشته باشه! رابطه علت و معلول بر همه پدیده‌ها، چه فیزیکی و چه متافیزیکی حاکمه. حتما من در یک جایی اشتیاق به خرج دادم یا شما در یک جایی اشتیاق به خرج دادید که: «کاش میشد به این شخص کمک کرد! ای کاش می‌تونستم دست این فرد رو بگیرم!» و همین اشتیاق کمک، کار خودش رو کرده. اشتیاق منفی هم کارخودش رو می‌کنه و این عدالت الهیه؛ یعنی ما باید مزد اشتیاقمون رو بگیریم.

چند نوع اشتیاق داریم؟ دو نوع. اشتیاق مثبت و اشتیاق منفی داریم؛ این عدالته. منتها مزد اشتیاق منفی، گمراهی‌ست و طرف از مرحله پرت میشه و مزد اشتیاق مثبت، از نقطه‌نظر کمال؛ میشه هدایت. پس طبق «یهدی من یشاء»، کسی که اشتیاق مثبت داره، هدایت میشه و بر اساس «یظل من یشاء»، کسی که اشتیاق منفی داره؛ گمراه میشه.

این قانونه، قانون علت و معلول، قانون بازتاب و قانون‌های مختلفی در این رابطه وجود داره.

اتصال به شبکه منفی و عرفان قدرت :

بنابراین انسان می‌تونه به شبکه منفی اتصال پیدا کنه. اتصال به شبکه منفی به دو صورته؛ اتصال فردی و اتصال جمعی.

اتصال فردیش همونه که باید اشتیاق داشته باشی و باید براش مضطر بشی و اون رو بخواهی و دیگه به‌نحوی بگی می‌خوام. بعضی‌ها طی مراسمی سرسپرده شبکه منفی می‌شند. مثل گروه‌های شیطان پرستان و اینها که فرد طی مراسمی سرسپرده میشه و مراسمی اجرا می‌کنه که در اون مراسم، اشتیاق خودش رو نشون میده و مثلا سر حیوان رو می‌بره، خون می‌ریزه و...

بنابراین طبق یک قضایایی، هر چه که این‌طرف در شبکه مثبت داریم؛ اون‌طرف یعنی در شبکه منفی هم داریم و در بحث اتصال به شبکه منفی، مسائلی ایجاد میشه که این مسائل، در زمینهٔ قدرته. شبکه منفی کارش این نیست که به ما بگه: «از کجا آمده‌ایم و چرا آمدیم؟»، ولی اگر قدرت بخواهیم، بهمون میده؛ کارش اینه. بنابراین، یک عده‌ای به شبکه منفی متصل می‌شند؛ درست مثل شما که به شبکه مثبت متصل هستید و می‌تونید کاری را انجام بدید یا در نهایت به‌صورت مربیِ این قضیه ایجاد اتصال کنید[1] و یا اینکه در این اتصال خودتون به یکی اعتبار بدید. یعنی دیگری به اعتبار شما متصل بشه، مثل همون مثالی که شما یک نفر رو به بانک معرفی می‌کنید؛ چون خودتون اونجا حساب دارید.

بانک، شما، نفر سوم.

هوشمندی، شما، نفر سوم.

۱- با توجه به اینکه از تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۱ کلیه حلقه‌های نظام قدیم مکتب عرفان کیهانی حلقه از طریق ذهن جمعی تفویض می‌شوند و از طرف دیگر نیز، از تاریخ ۷ مهر ۱۴۰۲ مصادف با ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۳ هیچ مربی حق تفویض حلقه را ندارد، نقش مربیان در کلاس بی‌کلاسی فقط ارائه آموزه‌های نظری نظام قدیم می‌باشد و مربیان نمی‌توانند حلقه‌ها و حفاظ‌های مربوطه را به شاگردان تفویض کنند.

پس اون بانک اعتبار می‌خواد. برای کسی هم که به شبکه منفی متصل شده؛ در این رابطه یک‌سری کارهایی انجام میشه که این کارها عمدتا قدرتیه. مثلا شما به فردی در این رابطه مراجعه می‌کنید و او بهتون میگه که فردا دقیقا چی میشه و پس فردا دقیقا چه اتفاق می‌افته و این موضوعات رو به شما ارائه می‌کنه که درست هم هست. البته در این رابطه، همه رقم نحوه ارائه وجود داره، ممکنه به یک لیوان چای یا یک لیوان آب یا یک فنجان قهوه نگاه کنند یا ممکنه به هیچی نگاه نکنند و فقط بگن که چه اتفاقاتی می‌افته و پیشگویی کنند. در واقع این ابزارها ذهن ما رو از پشت پرده مسئله پرت می‌کنه و فکر می‌کنیم که اون فنجون داره به ما اینها رو میگه؛ یعنی ذهن ما از شبکه‌های مختلف میاد روی اون فنجان. دیگه از اینجای قضیه، جلوتر نمیریم که بخوایم فکر کنیم که: «مگر فنجان شعور داره؟». اگر به این فکر کنیم؛ پس باید نتیجه بگیریم که فنجان هم شعور داره. در اون‌صورت، اینجا یک موضوع دیگه مطرح میشه مبنی بر اینکه فنجان هم شعور داره، بعد این سوال مطرح میشه که چه شعوری داره؟ اون‌وقت دیگه فرق نمی‌کنه که شعور از خودش باشه یا شعور رو از جایی گرفته باشه؛ میاد در یک چارچوبی که اون چارچوب رو مورد بررسی قرار میدیم. در این رابطه، همیشه یک نفر انجام دهنده و یک نفر درخواست کننده وجود داره. درخواست کننده میاد میگه که من می‌خوام یک نفر رو سیاه کنم؛ منتها به این شکل مطرح نمی‌کنه. مثلا میگه که یک نفر بدخواه منه و چنینه و چنانه؛ اون انجام دهنده هم میگه: «من الان سیاهش می‌کنم! از نظر می‌اندازمش! کاری می‌کنم که هیچ کسی بهش نگاه نکنه!» یا مثلا درخواست کننده میگه که شوهر من به یک خانمی نظر داره، اون هم میگه: «الان می‌بندمش! شهوتش رو می‌بندم! این کار رو می‌کنم و اون کار رو می‌کنم!»؛ همه اینها شدنی است. عناوین دیگری مثل کارگشایی، بخت گشایی، سیاه کردن و مسائل مختلفی که در این رابطه وجود داره هم میاد داخل کار و انجام میشه و اون شخص می‌تونه این کارها رو انجام بده. همچنین نفوذ یا مسخ هم به هر شکل و به هر صورتی در این رابطه انجام میشه. هیچ کدوم از این کارها هم برای ما کمال نمیاره! نفوذ کردی؛ آخرش چی بلدی؟ هیچی! اون رو سیاه کردی؛ آخرش چی بلدی؟ هیچی! فردا رو دیدی؛ چی بلدی؟ هیچی! یعنی جواب این سوال‌ها رو حتی در حد اون طفلی هم که صحبت کردیم؛ در دستمون نیست. امروز، فردا،

یک سال، دو سال، سه سال و بعد می‌بینید که پنجاه سال این کارها رو کردیم؛ چی بلدیم؟ هیچی!

ـ **انواع اتصال به شبکه منفی:** در این رابطه، بعضی‌ها مستقیما با شبکه منفی در ارتباط قرار می‌گیرند و بعضی‌ها به‌طور غیر مستقیم با شبکه منفی در ارتباط قرار می‌گیرند. اونهایی که به‌طور غیر مستقیم در ارتباط قرار می‌گیرند هم خودشون دو گروه می‌شند. یک دسته به این‌صورت که موجودات غیر ارگانیک رو به کار می‌گیرند و موکل می‌گیرند. مثلا طرف موکل داره، تا شما رو می‌بینه؛ مثلا اسمتون رو بهتون میگه. در واقع اون موکل، اطلاعات رو می‌گیره و به اون شخص میده.

پس:

ـ **اتصال مستقیم به شبکه منفی:** اتصال مستقیم، خودش دو نوع داره:

- اتصال فردی
- اتصال جمعی

ـ **اتصال غیر مستقیم به شبکه منفی:** اتصال غیر مستقیم به شبکه منفی هم خودش دو بخش هست.

- **اتصال غیر مستقیم به شبکه منفی از طریق سوء استفاده از موجودات غیرارگانیک:**

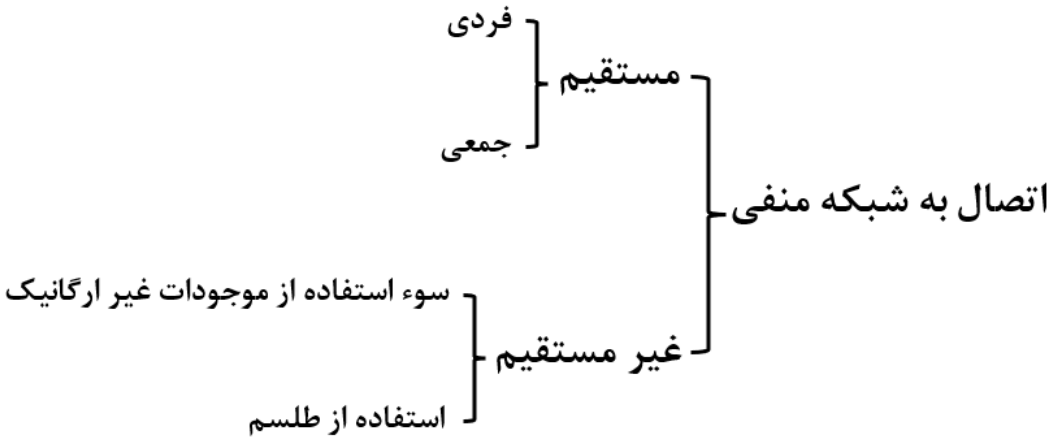

این عده، درگیر می‌شند. به این‌صورت که مثلا در استفاده غیر مستقیم از شبکه منفی، خود شخص، متصل به شبکه منفی نیست و حتی ظاهرا عبادت داره و حتی چله‌نشینی کرده و حالا که چله‌نشینی کرده؛ یک یا چند تا موکل داره و با چند تا روح هم همراه شده

و این همراهی به او کمک‌هایی می‌کنه تا آینده رو ببینه و طلسم جاری کنه و با کمک موجودات غیر ارگانیک کارهایی از این‌قبیل انجام بده. اینها کارشون به این‌صورته که از یک‌طرف موجودات غیر ارگانیک رو تسخیر می‌کنند و از طرف دیگه، اونها رو برای کارگشایی، سیاه کردن و... گسیل می‌کنند. یعنی همینطور مرتبا از یک‌طرف موجودات رو می‌گیرند و از طرف دیگه، اونها رو گسیل می‌کنند.

حضار: ببخشید روح یا همون کالبد ذهنی رو هم تسخیر می‌کنند؟

استاد: بله، بعضی‌ها با روح کار می‌کنند؛ یعنی روح رو تسخیر می‌کنند و می‌فرستند و بعضی‌ها با جن کار می‌کنند. یعنی جن می‌گیرند و جن رو می‌فرستند. اصلا کارشون اینه که مرتب از این‌طرف می‌گیرند و از طرف دیگه گسیل می‌کنند؛ یعنی مثلا کسانی هستند که از این طریق چندین هزار موجود غیر ارگانیک در اختیار دارند.

سوال: چه اتفاقی می‌افته که اصلا این روی ما اثر می‌گذاره؟

استاد: وقتی اون موجود غیر ارگانیک رو می‌فرستند، اون موجود با فرد همراه میشه و بر حسب نوع کار و ماموریتی که براش تعریف شده؛ میاد اونجا می‌شینه و شروع می‌کنه به انجام دادن اون کار. اگر قراره فرد رو سیاه کنه یا هر کار دیگری که قراره انجام بده رو انجام میده.

حضار: از شعور ما این اتفاق برامون می‌افته؟

استاد: اون میاد ستاد رو اشغال می‌کنه. فرض کنید که مثلا اون موجود رو برای بستن یک نفر گسیل کردند و اون میاد روی اون آقا سوار میشه. بعد از اون دیگه هر خانمی که بهش نزدیک میشه، یک‌دفعه این آقا یک حرف‌هایی می‌زنه و یک کارهایی می‌کنه که یک‌دفعه می‌بینه که همه چیز بهم خورد! بعد با تعجب میگه که چی بود؟ چی شد؟ یعنی به خودش میاد میگه چی شد؟! دوباره نفر بعدی و بعدی و بعدی هم همینطور. یعنی هر موردی که پیش میاد، به یک علت نامعلوم بهم می‌خوره.

حضار: من گفتم اگر ما اینقد قوی باشیم؟

استاد: این ربطی به قدرت شما نداره! به محض اینکه شما در فاز منفی که قرار بگیرید؛ اون میاد وارد میشه.

حضار: فاز منفی رو کاری ندارم! آگاهی رو میگم.

استاد: توجه بفرمایید! این ربطی به قدرت ما نداره، اگر ما در فاز منفی باشیم، دریچه منفی بازه و اونی رو که می‌فرستند؛ میاد داخل. مگر اینکه ما در فاز مثبت باشیم. قدرت یعنی فاز مثبت. اگر ما در فاز مثبت باشیم؛ این یعنی قدرت و هیچی نمی‌تونه وارد بشه. اگر در فاز منفی باشیم، ربطی به آگاهی ما و هیکل ما و هیچ چیز دیگری نداره و اون میاد داخل و بعد شما هم اون کارها رو انجام میدید؛ یعنی رفتار شما رو در اختیار می‌گیره. لذا شما می‌بینید که دچار مشکلات و مسائل شدید. حالا اگر در بحث کارگشایی اومده باشه؛ اون میاد یک‌جوری به نفع شما وارد قضیه میشه. در هر کدوم از بحث‌های مختلف، مورد به مورد اینها رو پیاده می‌کنه. مثلا وقتی برای تسخیر قلوب باشه، اون‌وقت این مکانیزم، یک‌جور دیگه عمل می‌کنه که به‌دنبال این قضیه، شما به اون نقطه‌نظر خودتون برسید و اون فرد مورد نظرتون رو جذب کنید؛ یعنی اون وارد این معرکه میشه.

بنابراین منظور از سوء استفاده از موجودات غیر ارگانیک، یعنی تسخیر و فرستادنشون به ماموریت یا اینکه اصلا طرف موجود غیر ارگانیک رو با خودش و همراهش داره و اون داره براش کار انجام میده. مثلا خیلی‌ها هستند که موکل گرفتند و ممکنه کاری هم با کسی نداشته باشند؛ ولی کارهای خودشون رو با موکلشون انجام میدند.

- **اتصال غیر مستقیم به شبکه منفی از طریق استفاده از طلسم:** اما یک نوع دیگه از اتصال غیر مستقیم به شبکه منفی، استفاده از طلسمه. مثلا اگر شما یک کتاب علوم غریبه خریداری کنید، مثلا در این کتاب می‌خونید که اگر سوره «اِذا زُلزلت الارضِ زلزالها واَخرجت الارض اَثقالها»، رو بدون «بسم الله» و به‌صورت معکوس روی دایره بنویسید، اگر اون رو در هر جایی یا در خونه هر کسی قرار بدید؛ اون خونه از هم می‌پاشه. همونطور که خدمتتون عرض کردم، ان‌شاءالله این کتاب و منابع رو میاریم و خدمتتون نشون میدیم و معرفی می‌کنیم. ما اسناد اینها رو داریم که از کتب معتبر تحت نام علوم غریبه و از منابع بسیار مستند هستند. مگر غیر از اینه که این کار شرّه؟ کی برای خیرخواهی می‌خواد بیاد یک همچین کاری کنه؟ حالا ممکنه کسی توجیه بیاره و مثلا بگه این کار رو برای خانه یک فرد ظالم انجام بدیم! این توجیهه! شر، شرّه. یعنی ما نمی‌تونیم بگیم که من میرم خونه یک ظالم و این کار رو می‌کنم! هیچ توجیهی پذیرفته نیست. الان در سایت‌های مختلف دارند آموزش طلسم میدند و حتی امروزه

در محافل علنی این کارها رو انجام میدند و براش تبلیغ هم می‌کنند. مثلا در تبلیغش نوشته تسخیر قلوب، احضار زنده و... حتما خیلی از دوستان در جاهایی دیدند که این مسائل تسخیر قلوب و اینها رو خیلی علنی تبلیغ می‌کنند. پس این روش استفاده از طلسم رو همه می‌تونند انجام بدند. یعنی می‌تونیم همین الان بریم کتاب و بقیه مسائلش رو تهیه کنیم و مشغول بشیم. به‌محض اینکه اون رمز روی کاغذ یا روی لوح بیاد؛ اون طلسم جاری میشه. چون موکل داره و اتصالش انجام میشه و کار صورت می‌گیره. پس این کار یک کاربرد عملی عام داره و اجرا میشه.

ـ علت وجود تشریفات عجیب در دعانویسی (طلسم‌نویسی) و کار با شبکه منفی:

یک موضوع هست که اگر دقت کرده باشید، در این قضایا یک‌سری مواردی رو توصیه می‌کنه؛ مثل سایه نردبان و ران سوسک و اینکه فلان چیز رو بیارید و این کار و اون کار رو کنید. می‌دونید همه اینها برای چیه؟ در این رابطه چند تا مسئله وجود داره:

۱- **موضوع اول** منحرف کردن ذهن فرد از شبکه منفی‌ست. یعنی شما تصور می‌کنید که چون دارید این کارها رو می‌کنید و اون دستورالعمل ران سوسک و سایه نردبان رو اجرا می‌کنید؛ حتما خاصیت این فرموله که اون کار ازش برمیاد. با خودتون میگید: «فرموله دیگه!». یعنی از این طریق، ذهن ما از شبکه منفی پرت شده. در حالی‌که نیازی به هیچ کدوم از اون کارها نیست و به‌محض اینکه طلسم رو جاری کنید؛ اون طلسم کار رو انجام میده. حتی اگر اون طلسم در ذهن هم جاری بشه؛ عمل می‌کنه. پس توجه بفرمایید که چگونه ذهن ما رو منحرف می‌کنه و هیچ کسی فکر نمی‌کنه که در واقع داره با شبکه منفی کار می‌کنه. افراد تصور می‌کنند که اینها یک‌سری فرمول هستند و هر کسی این فرمول‌ها رو به کار ببره، اون نتیجه رو هم می‌گیره؛ یعنی یک استتار کرده.

۲- **موضوع دوم** اینه که خیلی تیزهوشانه شراکت ما رو در جرم محرز می‌کنه. شما فکر می‌کنید که ما فردا می‌تونیم شیطان رو محاکمه کنیم؟ کی فکر می‌کنه که میشه شیطان رو محاکمه کرد؟ همه موارد رو ثابت می‌کنه و میگه خودت بودی! شراکت ما رو در جرم محرز می‌کنه. یعنی فردا میگیم: «ما گول خوردیم! ما نمی‌دونستیم!»؛ میگه: «تو نمی‌دونستی؟! مگر تو این کار رو نکردی؟ مگر این رو نریختی روی اون؟ مگر اون رو نبردی اونجا چال کردی؟ و... تو مصّر بودی! تو مشتاق بودی برای تحقق یک کار غیر انسانی مثل

تسخیر قلوب، مثل سیاه کردن، مثل زبان بند!». ما چه حقی داریم که زبان یکی رو ببندیم؟ آیا دوست داریم زبان خودمون رو ببندند؟ پس اون کاری که بر خود نمی‌پسندی؛ بر دیگران مپسند!

سوال: کنترل تشعشع منفی یک اونها رو باطل می‌کنه؟

استاد: کنترل تشعشع منفی یک. حالا داریم صحبت می‌کنیم و توضیح میدیم.

سوال: جادو هم همین طلسمه؟

استاد: همینه دیگه! اصولا جادوی سیاه داریم، جادوی سفید داریم. یعنی آن چیزی که خارج از دو دوتا چهارتاست. پس مسئله خارج از دو دوتا چهارتا، هم می‌تونه کمال باشه و هم می‌تونه در این وادی منفی باشه. پس هم جادوی سفید داریم و هم جادوی سیاه داریم. ولی اگر خاطرتون باشه، گفتیم که در اصل همه‌اش قانونه، منتها چون ما نمی‌دونیم و خارج از دانسته‌های ماست؛ یک‌دفعه می‌گیم: «معجزه شد!». در صورتی‌که همه اینها قانونه؛ حتی طلسم هم قانونه. بنابراین کارهایی مثل چال کردن و چیزی رو روی چیز دیگه ریختن و انجام دادن کارهایی با اسپند و هیچ‌کدوم از اینها نیست که کار رو انجام میده؛ این کارها فقط برای محرز شدن شراکت ما در جرمه. فرض کنید ما بریم پیش یکی و بهش بگیم که ما تسخیر قلوب می‌خوایم و او هم به ما بگه: «باشه؛ برو!». چون اونها هم نظر دارند، یعنی همینطور که اینجا نظر داریم؛ در شبکه منفی هم نظر دارند. فرض کنید بهمون بگه: «برو!» و ما هم میایم و بعدا میگیم: «من که نمی‌دونم! من رفتم بهش گفتم این رو می‌خوام؛ اون هم گفت برو!»؛ در اون‌صورت محکوم کردن ما یک‌خرده مشکل میشه. اما از اونجا که همه مراحلش، مراحلی نیست که دَمِ دست باشه و طوریه که باید یک مدتی براش علّاف بشیم تا انجامش بدیم، وقتی من رفتم صد تا مرحله خیلی مشکل رو انجام دادم؛ اون داره به ما پوزخند میزنه که مچت رو گرفتم! برو تا وقت خودش. بعد یک زمانی می‌گیم: «من که نمی‌دونستم چیه؟ من گفتم تسخیر قلوب می‌خوام!»؛ میگه: «تو این کار رو کردی! اون کار رو کردی! تو مشتاق بودی! آنقدر مشتاق بودی که چنین مراحل سختی رو پشت سر گذاشتی! تو رفتی یک چیزی که اصلا پیدا نمیشه رو پیدا کردی! تو بودی که رفتی دنبال این چیز سخت و پیداش کردی! مشتاق بودی!». اونجاست که می‌گیم: «بله، مشتاق بودیم!» و اعتراف می‌کنیم که مشتاق بودیم.

میگه: «برای چه کاری؟»؛ می‌گیم: «برای تسخیر قلوب، زبان‌بند»، میگه: «حالا شد! تسخیر قلوب و زبان بند خواستی!». ولی اگر شواهدی نباشه، می‌گیم: «ما نمی‌دونیم! ما بهت گفتیم فلانی خیلی داره برای ما حرّافی می‌کنه و تو هم گفتی برو! من هم رفتم. من از کجا باید می‌دونستم که تو می‌خوای این کارها رو کنی و زبان طرف رو ببندی؟ من نمی‌دونستم تو می‌خوای چکار کنی!». ولی اونجا با وجود شواهد دیگه نمی‌تونیم انکار کنیم؛ یعنی شراکت ما در جرم محرزه.

بنابراین همه اون مراحلی که اونجا هست؛ دو تا علت مهم داره. یکی منحرف کردن ذهن ما از شبکه منفیه که آنقدر ذهن ما رو درگیر اون مهملات و تشریفات می‌کنه که ما اصلا دیگه نمی‌رسیم به شبکه منفی فکر کنیم و یکی هم بحث شراکت در جرمه.

ـ درگیر شدن شخص متصل به شبکه منفی و سفارش دهنده و شخص مورد سفارش:

بنابراین این عوامل، در یک سطح گسترده‌ای، هم خودشون رو و هم سفارش دهنده رو و هم مورد سفارش رو درگیر می‌کنند.

- **درگیر شدن شخص متصل به شبکه منفی:** خودشون که هیچی! متصل هستند و عمدتا خصوصیات ویژه‌ای دارند. برای بررسی این خصوصیات ویژه، برگردیم به قانون صلیب.

−	+
اضطراب نا امیدی	آرامش

طبق قانون صلیب، بودن در شبکه منفی، تبعات خاص خودش رو داره؛ از جمله اضطراب و افسردگی و... یعنی وقتی که وضعیت این افراد رو بررسی می‌کنیم؛ می‌بینیم که افراد درب و داغونی هستند و زندگی‌های داغون و بچه‌های مشکل‌داری دارند. عمدتا خودشون حالت‌های خاصی دارند و اگر دقت کنید می‌بینید که مثلا به‌طرز خاصی سیگار می‌کشند و فرضا طرف مرتب سیگار رو به دهانش نزدیک می‌کنه و دور می‌کنه و نمی‌دونه که بکشه یا نکشه! یعنی بین کشیدن و نکشیدن سرگردونه و در واقع نمی‌دونه که این دستش برای کشیدن سیگار، بالا بره یا نره! یعنی آنقدر این اختلال زیاده و وقتی شما نگاه کنید، می‌بینید

که اینها معمولا با وجود درآمدهای خوب، درب و داغونند؛ یعنی زندگی خودشون از همه مشکل‌دارتره. درحالی‌که قاعدتا باید یکی از این طلسم‌ها رو باید برای خودشون به کار می‌بردند و ما می‌دیدیم که چنان مشکلاتی رو که ازش صحبت کردیم؛ نداشتند.

- **درگیر شدن سفارش دهنده طلسم و دعا:** کسی هم که میره سفارش میده؛ در واقع خودش هم آلوده میشه.
- **درگیر شدن شخص مورد سفارش طلسم و دعا:** که برای او اون فردی هم که بی‌خبر هست؛ اون هم آلوده میشه. اما سوال اینه که گناه او چیه؟ جوابش فاز منفیه. یعنی ما داریم میریم و میایم و یکی میره برای ما طلسم جاری می‌کنه. اگر ما در فاز منفی باشیم؛ مورد اصابت قرار می‌گیریم. فردا اعتراض می‌کنیم و می‌گیم: «من چه گناهی کردم که این رو برای من فرستادند و من مورد تسخیر قرار گرفتم؟»، میگن: «صبر کن! می‌بایستی درب خونه‌ات رو می‌بستی! آیا تو رفتی روی این موضوع کار کنی که تو فاز منفی نباشی و در باز نباشه؟»؛ می‌گیم: «نه!». میگن: «بسیار خب! پس این هم گناه توست! گناه تو اینه که در فاز منفی قرار داشتی و برج و باروی این قلعه وجودی تو در و پیکر نداشته؛ دزد هم اومده و برده». یعنی این هم گناه اون عده‌ای میشه که مورد اصابت قرار گرفتند.

ـ **جنگ تشعشعاتی:** بنابراین همیشه یک جنگ پنهان در جریانه. این جنگ، جنگ تشعشعاتی‌ست؛ یک جنگ مافوق سرده. یعنی چیزی ظاهر نیست؛ اما هر کسی می‌تونه هر کسی رو مورد اصابت قرار بده. حالا با گسترش ارتباطات، وقتی در سایت‌ها آموزش میدند که اگر شما این طلسم رو جاری کنید، می‌تونید این قلب رو تسخیر کنید؛ چه کسانی مخاطب و دنبال کننده این سایت‌ها هستند؟ طبیعتا مخاطبین اونها از افرادی هستند که می‌خوان ببینند موضوع از چه قراره و بعد هم میگن بریم آزمایش کنیم تا ببینیم که میشه یا نمیشه؟ بعد آزمایش می‌کنند و می‌بینند که میشه. وقتی دیدند که انجام شد، براشون شیرین میشه؛ حلواست دیگه! در نتیجه، دوباره و سه باره چهار باره انجام میدند.

اما هدف اونها از آموزش طلسم چیه؟ در واقع، یکی از راه‌های گسترش شبکه منفی، گسترش طلسمه. امروز ما داریم در یک عصری زندگی می‌کنیم که اگر بی‌خبر باشیم؛ یک‌دفعه می‌بینیم که از دهها جا مورد اصابت قرار گرفتیم. اصابت از جاهایی که

خیلی‌هاشون هم ناآگاه هستند و اصلا نمی‌دونند که دارند چکار می‌کنند. یعنی میگن: «بریم پیش دعانویس، دعا که بد نیست!». یکی از این استتارها، استفاده از نام «دعا» برای این مسئله‌ست. آیا دعا بده؟ وقتی اسم دعا میاد، ما با رغبت به سمتش میریم؛ ولی در واقع تحت نام دعا به ما طلسم میدند و تحت نام دعا ما رو وارد معرکه‌هایی می‌کنند که ما خبر نداریم. اگر ما می‌دونستیم که داریم میریم به شبکه منفی گام می‌گذاریم؛ شاید نمی‌رفتیم. یک درصد احتمال داشت که اون خواسته ما آنقدر برامون ارزش و اهمیت داشته باشه که بگیم: «باشه! ما سرسپرده می‌شیم؛ عیب نداره!»؛ ولی ما نمی‌دونستیم! این مقوله رو تحت نام «دعانویسی» به ما معرفی کردند و هیچ‌کدوم از ما برداشت بدی از دعا نداشتیم و نداریم و در نتیجه به سمتش رفتیم.

پس ما داریم در عصری زندگی می‌کنیم که اگر ناآگاه باشیم؛ یک‌دفعه می‌بینیم که کنار دستمون دهها ماجرا درست شد. بنابراین لازمه که آگاه و مجهز باشیم تا هم خودمون در امنیت قرار بگیریم و هم به دیگران آگاهی بدیم که دنبال این ماجراها راه نیفتند تا آلوده نشند و هم اگر کسی آلوده شد؛ بدونیم که چگونه نجاتش بدیم.

پس اینها اهدافی هستند ما داریم در این قضیه دنبال می‌کنیم تا این کار صورت بگیره. عصری که ما در اون هستیم، عصری‌ست که عصر میانسالی داره تموم میشه و وارد عصر کهنسالی انسان می‌شیم. در عصر کهنسالی، عمده قضایا تشعشعاتیه، یعنی داریم به عصری وارد می‌شیم که مرحله قوانین رو طی می‌کنیم و وارد کار با هوشمندی می‌شیم؛ هوشمندی مثبت و هوشمندی منفی. یعنی جنگ مافوق سرد، جنگی که نه سنگری در اون هست و نه ظاهرا سلاحی داره؛ ولی واقعیتش اینه که بسیار خطرناکه و انسان در این عصر داره به تجارب خاصی نزدیک میشه.

توضیحات حلقه کنترل تشعشع منفی پنج (خنثی کردن تشعشع منفی اشیاء حامل طلسم):

ما در زمینه طلسم و جادو و اینها چه ارتباطی رو داشتیم؟

حضار: کنترل تشعشع منفی.

استاد: کنترل تشعشع منفی یک برای چی بود؟ برای قطع اون رابطه طلسم و جادو از مبدأش بود. قطع ارتباط جادو از مبدأ.

اما موقعی هست که این رابطه قطع شده و ما داریم این اشیائی که طلسم روشون جاری بوده رو نگه می‌داریم. مثلا خود ما برای اون نمایشگاه طلسم و جادو، همیشه تعدادی از این طلسم و جادوها داریم و همیشه چیزهایی داخل جیب من هست. چون دوستان برای ما میارند و من هم می‌گذارم داخل جیبم و همیشه چیزهایی داخل جیبم هست. با توجه به این بحث شعور و ضد شعور و این مباحث، وقتی ما چیزهایی رو ما نگه می‌داریم و نمی‌دونیم که چیه؛ شعورش یا مثبته و یا منفیه. وقتی اون شئ طلسمه و اسم طلسم روشه؛ یعنی شعورش منفی‌ست. هر چند که ما قطعش کردیم و از اون مبداء قطع شده؛ ولی تشعشعش و شعورش منفیه. اما شما می‌بینید که ما تعداد زیادی از اینها رو برای نمایشگاه در اینجا تلنبار کردیم. چون اگر قرار باشه ما اینها رو نگهداری کنیم؛ این مسئله یک پاکسازی می‌خواد که این تشعشع منفیش رو هم قطع کنیم.

این ارتباط یک ارتباط کاربردی‌ست. ارتباط‌ها دو نوع هستند، یک‌سری ارتباط‌های کاربردی داریم؛ مثل کنترل تشعشع منفی یک، دو، سه و... که اینها کاربردی هستند؛ یعنی برای یک کاربردی استفاده می‌شند. ولی بعضی از ارتباط‌ها پیگیری می‌خوان، مثل همفازی کیهانی. مثل همین ارتباط قبلی‌مون که لازمه پیگیری بشه. مثل ارتباطی که در این دوره مفصلا راجع به مسئله نماز و اینها دنبال کردیم، از تکبیرش تا قنوتش و همه اینها چندین مرحله بود که طی کردیم؛ اونها نیاز به پیگیری داره[۲]. اما این ارتباط کنترل تشعشع منفی پنج اینطور نیست. همین الان این ارتباط رو یک استارت می‌زنیم و اگر دوستان از این‌قبیل اشیائی دارند که به هر حال دارند نگهداری می‌کنند یا می‌خوان اونها رو تا اطلاع ثانوی پیش خودشون نگهدارند؛ بتونند تشعشعات منفی اون رو تحت کنترل دربیارند که مشکلی ایجاد نکنه. کما اینکه همونطور که گفتم، الان در منزل ما تعداد زیادی از این چیزها تلنبار شده؛ در حالی‌که هر کدوم از اینها می‌تونه یک...

---

[۲]- ارتباط‌های نماز مربوط ترم ۸ هستند. با توجه به اینکه این ویدیو مربوط به دهه هشتاد خورشیدی می‌باشد و در درسنامه جدید مورخ ۲ آبان ۱۴۰۰ خورشیدی، مصادف با ۲۴ اکتبر ۲۰۲۱، ترتیب تفویض حلقه‌ها تغییرات محدودی داشته، حلقه کنترل تشعشع منفی پنج از ترم ۸ به ترم تشعشع دفاعی منتقل شده است. در نتیجه، این بخش ویدیو از ترم ۸ بوده که به‌منظور دسترسی به توضیحات حلقه کنترل تشعشع منفی پنج به اینجا منتقل شده است. بنابراین، ارتباط‌های نماز در دوره تشعشع دفاعی تفویض نمی‌شوند.

حضار: استاد! ما هر چی داشتیم؛ دادیم به شما. حالا چه‌جوری امتحان کنیم؟

استاد: توجه کنید! امتحان این قضیه، مسئله‌ای نیست که بخوایم مثل حلقه‌های دیگه امتحانش کنیم؛ فقط بدونیم که این حلقه هست و اگر لازم شد؛ مورد بهره‌برداری قرار میدیم. ممکن هم هست اصلا لازم نشه؛ ولی البته همه‌مون کم و بیش با این‌جور مسائل سر و کار داریم و سر و کار پیدا کردیم. البته در این مدت ما برای شما کارهای لازم رو انجام دادیم که با وجود اینکه شما با اینها تماس داشتید یا اونها رو جابجا کردید؛ مشکلی پیش نیامده.

سوال: نابود کردن اینها مشکلی نداره؟

استاد: بعد از اینکه از اون مبدأ قیچیش کردید؛ دیگه هر کاری خواستید انجام بدید. می‌تونید ردشون کنید و دیگه هر جوری می‌دونید.

ادامه سوال: استاد باید بهمش بزنیم؟

استاد: ببینید! بعضی موقع‌ها در اینها از آیات قرآن استفاده شده و اتفاقا یکی از دلایل اینکه از آیات استفاده می‌کنند؛ همینه که شما جرات نکنید این کار رو انجام بدید. ما به علت اینکه در خیلی از اینها که از آیات قرآن به‌عنوان پوشش استفاده شده، این کار رو نمی‌کنیم که بخوایم اونجوری که شما منظورتونه؛ نابودشون کنیم. خصوصا اینکه برای نمایشگاهمون هم این مطلب رو نیاز داریم تا کانون عرفان کیهانی بتونه این نمایشگاه رو به‌عنوان یک تحقیق و یک کار بزرگ ارائه بده و داریم اینها رو جمع‌آوری می‌کنیم تا باز کنیم و به معرض دید عموم بگذاریم.

سوال: اگر نابودشون کردیم؛ مشکلی به‌وجود نمیاد؟

استاد: عرض کردم! در اینها آیات قرآن هست. یعنی آتیشش بزنیم؟

حضار: نه! بندازیم در آب روان.

سوال: بله، در واقع اون، یک‌جور رد کردن محترمانه است.

اول ارتباط رو بگیریم؛ بعد به سوال‌ها می‌پردازیم. این حلقه برای زمانی‌ست که چیزی در این خصوص به دست شما میرسه و می‌خواید روش کار کنید.

حضار: اعلام این ارتباط اجازه می‌خواد؟

استاد: کلا کنترل تشعشع منفی و این مسائل اجازه نمی‌خواد؛ اتفاقا استناد قرآنیش رو هم دوستمون درآورده بودند.

فقط من یک خواهشی از مربیان عزیزمون دارم که در انتقال مطالب دقت نظر داشته باشند که خدای ناکرده، برداشت‌های سوء نشه. البته اینجا نمی‌خوام زیاد در مورد این مسئله صحبت کنم، ان‌شاءالله در یک فرصت مناسب صحبت می‌کنم. فقط با توجه به اینکه الان این کارها داره انجام میشه، در این بحث امانتداری دقت نظر داشته باشید؛ در اینکه صحبت‌ها عوض نشه و اون امانتداری نسبت به شعور الهی رعایت بشه. سلیقه‌های شخصی خودمون رو در این مسائل وارد نکنیم و عینا همین قضایا رو که همون پاسداری از حرمت شعور الهی و معرفی اون هست؛ انجام بدیم.

می‌تونیم اسم این ارتباط رو **«خنثی‌سازی»** تشعشع منفی یک بگذاریم که جهت نگهداری طلسم و جادو هست.

سوال: استاد آیا می‌تونیم این ارتباط رو از راه دور برای افرادی که در خونه‌شون طلسم و جادو دارند؛ اعلام کنیم؟

استاد: علاوه بر کنترل تشعشع منفی که انجام میدیم؛ می‌تونیم این رو هم داشته باشیم. (علاوه بر کنترل تشعشع منفی یک که روی اون شئ انجام میدیم؛ می‌تونیم این حلقه کنترل تشعشع منفی پنج هم روی اون کار کنیم) قبلا این کار رو کلا خود ما انجام می‌دادیم؛ اما الان دیگه گذاشتیم به عهده خودتون و شما هم می‌تونید این کار رو انجام بدید. ولی باز هم توصیه می‌کنیم که این وسیله‌ها رو نگه ندارند. توصیه می‌کنیم که شما اینها رو ازشون بگیرید و جمع‌آوری کنید.

ـ نحوه اعمال حلقه کنترل تشعشع منفی پنج: فرض کنید که من می‌خوام یک شئ در این رابطه رو از دست کسی بگیرم، در همین فاصله بین زمین و هوا، یعنی در فاصله‌ای که اون شخص، شئ رو به دست من بده (که اینور و اونورش هم چیزهای اینها هست)؛ یک نظر به این حلقه می‌کنم. یعنی وقتی من می‌گیرمش، حتما باید مطمئن باشم که اون مسائل و شعور منفی رو نداره که بگیرم و بگذارمش داخل جیبم. پس در واقع کار شما همینه؛ این یک ارتباط کاربردی‌ست که خیلی آسونه. اصولا بحث کاربردی آسونه؛ ارتباط‌های دیگه‌ست که پیگیری می‌خواد و همینطوری باید پیگیری کنیم تا در یک لحظه،

مثلا یک‌دفعه ببینیم که ما محو شدن رو تجربه کردیم یا یک‌دفعه حس حضور اومد یا حس شکر اومد. ان‌شاءالله در جلسات بعدی، این ارتباط‌ها رو هم دنبال می‌کنیم تا ببینیم که ماجرا از چه قراره.

حضار: این ارتباط، حلقه روح جمعی هم داره استاد؟

استاد: در بحث این قضیه، نیاز به یک‌سری صحبت‌ها و مسائلی هست.

سوال: راه دور و نزدیکش چی؟

استاد: مثل کنترل تشعشع منفی یکه. هر چی در مورد اون هست؛ برای این حلقه هم همونطوره.

سوال: برای مکان‌هایی که نمی‌دونیم اونجا چنین چیزی وجود داره یا نداره؛ می‌تونیم اعلام کنیم؟

استاد: بله، برای هر چی که کنترل تشعشع منفی یک رو استفاده می‌کردید؛ الان این حلقه رو هم می‌تونید استفاده کنید.

سوال: استاد! من یک سوال دارم. برای اعلام این کنترل، شما میگید که اون وسیله یا طلسم رو برای من بیارید. آیا ما هم باید به افراد بگیم برامون بیارند یا از همون راه دور می‌تونیم اعلام کنیم؟

استاد: نه! ما از راه دور هم می‌تونیم این حلقه رو کار کنیم. اینکه به شما گفتم برای من بیارید؛ به این علته که برای نمایشگاه می‌خواستیم. حالا شما هم به اونها بگید که براتون بیارند و شما هم بیارید برای من. چون ما هنوز فکر برپایی اون نمایشگاه طلسم و جادو رو داریم که یک فکر بی‌نظیر و حرکت بی‌نظیری‌ست و من مطمئنم که اگر بتونیم اون رو برگزار کنیم؛ به‌خودی خود یک حرکت بزرگی‌ست.

مباحث تکمیلی جلسه پنجم دوره تشعشع دفاعی نظام قدیم:

ـ توضیحات در مورد نگهداری طلسم:

سوال: استاد ببخشید! این طلسم‌هایی که شارژ شعوری می‌شند یا با کمک کنترل تشعشعات منفی باطل می‌شند؛ آیا مشکلی نداره که دوباره بدیم به خود فرد با خودش ببره؟

استاد: مشکل داره.

ادامه سوال: بعضی از دوستان میگن که مشکلی نداره؛ چون شعورش عوض میشه. درحالی‌که شما فرمودید که شعور اون نوشته تثبیت شده و عوض نمیشه.

استاد: عرض کنم خدمتتون که در این خصوص، اگر ما اون رو نگه داریم؛ موضوع فرق می‌کنه. شما اگر الان صندوق عقب ماشین من رو ببینید؛ از حجم بالای این اشیاء و طلسمات وحشت می‌کنید! یک‌موقع هست که اون طلسم در دست ما قرار داره و یک‌موقع در دست اونها قرار داره. ما اگر اینها رو نگهداری می‌کنیم، به این دلیله که می‌خوایم نمایشگاه دائمی طلسم و جادو رو برپا کنیم و کتب و منابع و همه مستندات مربوط به این موضوع رو به نمایش بگذاریم. بنابراین خود من الان باید چقدر از این چیزها در اختیار داشته باشم؟

حضار: خیلی زیاد!

استاد: شاید چندین گونی پر از این اشیاء مختلف مربوط به طلسم و انگشترها و کتب و منابع رو در اختیار داریم که همه اونها رو هم از خودتون گرفتیم و نگه داشتیم تا در یک فرصت مناسب، در یک نمایشگاه به معرض دید بگذاریم و در مورد هر کدومشون توضیح بدیم. پس اگر ما بخواهیم نگهداری کنیم، یک مسئله دیگه‌ست و اون کنترل تشعشع منفی پنج و مسائلی که باهاش آشنا شدید، برای اینه که ما بتونیم نگهداری کنیم؛ نه برای اینکه به خود بدید با خودش ببره. موضوع اینه که وقتی یک چیزیی فی‌نفسه منفی‌ست، شما نمی‌تونید هیچ رقم این رو مثبتش کنید؛ فی‌نفسه منفی‌ست. مثلا وقتی شما بازش می‌کنید، می‌بینید که داخلش نوشته یا میکائیل! یا اسرافیل! یا... و یک سری چیزهای دیگه و ۶۶۶ و... این فی‌نفسه منفی‌ست. اگر خوب بود که ما نمی‌گفتیم جمعشون کنید! پس اگر گفتیم جمعش کنید؛ یعنی فی‌نفسه منفی‌ست.

گزارش: استاد ببخشید! اخیرا از خارج یک لوازم خانگی وارد شده و من عید یک چاقو ازش خریدم. بعد دیدم که رو ی اون چاقو بزرگ نوشته بود ۶۶۶. خیلی هم ارزون بود و چاقوی خیلی قشنگ و جالبی هم بود.

استاد: بله، یک نفر از خود شما دوستان، فلاسکش رو برای من آوردید که روش نوشته ۶۶۶. اینها یک موج جدیدیه که در دنیا راه افتاده و همونطور که سوپر مارکت‌های ۶۶۶ در غرب هست؛ الان تولیدات ۶۶۶ هم هست.

ادامه گزارش: استاد! همه اقوام عاشق اون چاقوها شده بودند و ده، پانزده تا از اون رو خریدند. بعد یکی خانم‌ها اومدند و با کنترل تشعشع منفی پنج خنثی‌سازی کردند. ولی کلا خود ما به‌محض اینکه اون چاقوها رو دیدیم، انگار به ما رو با چیزی برداشتند و انداختند اونور.

سوال: استاد! پس نوشته تثبیت شده است و عوض نمیشه دیگه درسته؟

استاد: ببینیم که این سوال جمع‌بندی شد یا نه؟ بنابراین، **«کنترل تشعشع منفی پنج برای زمانی‌ست که خود ما بخواهیم چیزی را در این رابطه نگه داریم»**. پس اگر بخواهید اینها رو نگه دارید و به دست ما برسونید یا اصلا بخواهید نگه دارید که در شهر خودتون نمایشگاه درست کنید، این حلقه برای اینه که کسی که داره اینها رو نگه می‌داره و در جایی تلنبار می‌کنه؛ از شرّ تشعشعات منفی اونها در امان باشه. ولی این هرگز فی‌نفسه مثبت نمیشه؛ فی‌نفسه منفیه! اگر شما به افراد بگید که من روی این وسیله یا طلسم، کنترل تشعشع منفی میدم و بعد دوباره با خود ببرش؛ در واقع به این معناست که خودتون حرف خودتون رو نقض کردید! یعنی ابتدا گفتید که فی‌نفسه منفیه و بعد گفتید با خودتون ببریدش. توجه کنید که اون افراد خیلی از ماجرای درس این قضیه رو نمی‌دونند؛ شماها می‌دونید. بعد اون طرف میره پیش خودش فکر می‌کنه و میگه مگه روی این چه کاری انجام داد؟! این رو بهش دادم و بهم برگردوند؛ پس الان دیگه ازش استفاده می‌کنم! الان به گردنم می‌اندازم! الان دیگه حملش می‌کنم! فراموش نکنید که منظور ما این بود که توکل به خدا، جای خودش رو به یک وسایل آویزون کردنی و انگشتر و این چیزها نده!

- **من دون الله، اثر ثانویه استفاده از دعا یا طلسم:** اگر دقت کنید، یکی از اثرات منفی اینجور چیزها اینه که توجه شخص، از کُل میاد روی اینکه یک دعایی رو آویزون کرده و بعد هم از نظر ذهنی، کاملا وابسته میشه به اون دعایی که از خودش آویزون کرده یا همراهش داره. پس از این نقطه‌نظرها، در واقع خود اون طلسم یا شئ، مظهر «من

دون الله» میشه. این قضیه جدای از اینه که چه چیزی داخل اون گردبند یا طلسم هست و چه ماجرایی داره؛ اونها که دیگه جداست. بنابراین شما نمی‌تونید یک چیزی رو که تعریفش از نظر ما مظهر من دون الله هست، به فرد برگردونید و بگید که من روی این کار لازم رو انجام دادم و بگیر با خودت ببر! چون در واقع، ما این رو فی‌نفسه نفی کردیم! فی‌نفسه قبولش نداریم! بنابراین ازش می‌گیریم، ولی شما که می‌خواهید نگهش دارید؛ از این حلقه استفاده می‌کنید.

سوال: اگر خود اون مربی که داره این وسایل رو نگه میداره، به فاز منفی بره؛ اونها روی اون شخص اثر نمی‌گذاره؟

استاد: نه! چون در حین انجام ماموریته. شما که اینها رو می‌دونید! در اینجا موضوع اینه که شما اینها رو گرفتید و می‌خواهید به جای دیگری ببرید و این رو به‌عنوان یک خدمت انجام میدید. یعنی اوها رو انتقال میدید برای استفاده در یک نمایشگاه. در این حالت و با استفاده از کنترل تشعشعات منفی، دیگه مسائل شما حین ماموریت به حساب میاد. یعنی شما ماموریت دارید که این وسایل رو به یک جایی برسونید.

پس من یک جمع‌بندی کنم که این سوال به نتیجه رسیده باشه. جمع‌بندی این ماجرا اینه که شما چیزی رو برنمی‌گردونید! اگر برگردونید؛ دوباره همون ماجراها رو برای اونها داره. این حلقه برای شماست که بتونید اون اشیاء رو نگه دارید.

سوال: استاد! اگر بخواهیم این وسائل رو به‌صورت فیزیکال از بین ببریم؛ چکار کنیم؟ راهی هست؟

استاد: منظورتون از فیزیکال چیه؟ آتش زدن و اینها؟

حضار: چیزی به ذهنمون نمیرسه.

استاد: ولی این کارها، اون ماجرای طلسم رو بازنمی‌داره! آب ریختن و آتش زدن و این کارها مانع نمیشه؛ اون طلسم جاری شده! اصلا اون شئی که به دست فرد میدند، فرضا یک لوح برنجی یا هر چیز دیگه، برای اینه که همواره پیشش باشه؛ وگرنه اصل ماجرا جور دیگری جاری شده و استارت خورده. بنابراین اینطور نیست که اگر ما اون رو از خودمون دور کنیم؛ ماجرا منتفی بشه! این عقد، جاری شده.

حضار: اون سند قراردادشه در اصل!

استاد: بله، اون سند قرارداده. یعنی اون لوح یا کاغذی که نوشته شده؛ عقدنامه است مبنی بر اینکه چنین چیزی جاری شد. اگر کسی بره پیش یک دعانویس و هیچی بهش نده و فقط بگه: «برو! جاری شد!»؛ کسی نمی‌فهمه که «جاری شد»؛ یعنی چه! ولی وقتی یک تکه کاغذ یا یک لوح دستش بدند، با توجه به این چیزی که تو دستشه؛ می‌دونه که یک کاری براش انجام شده.

ـ بیرون‌ریزی‌های تشعشع دفاعی، تبعات اشتباهات خود ما:

اگر ما در بعضی موارد مثل همین بیرون‌ریزی‌های تشعشع دفاعی آزار می‌بینیم؛ اینها ناشی از اشتباهات خودمون یا به هر حال اشتباهات نسل قبلمون بوده. بنابراین، وقتی هم از نسل بعدی صحبت می‌کنیم؛ در واقع می‌خوایم اینجا به این اشتباهات خاتمه بدیم که دیگه از ما مشکلی به نسل بعدی انتقال پیدا نکنه؛ یعنی آخر قضیه هم می‌رسیم به نسل بعدیمون و خد این مسئله، خیلی جای امیدواریه. یعنی جای اینه که اون رحمانیت رو بهتر درک کنیم.

ـ محکوم نبودن انسان در قبال اشتباهات خود با کمک رحمانیت الهی:

اگر یک بچه بخوره زمین کی مقصره؟ خودش مقصره؛ چون جلوی پاش رو نگاه نکرده. ولی وقتی شما به‌عنوان یک بزرگتر غریبه یا آشنا با این بچه برخورد می‌کنید؛ چکار می‌کنید؟ دستش رو می‌گیرید و بلندش می‌کنید و نه‌تنها دعواش نمی‌کنید؛ بلکه ناز و نوازشش هم می‌کنید و بعد به او میگید: «بچه جون جلوی پات رو نگاه کن!». حالا اگر انسان درگیر شده، درگیر بیماری و این مسائل شده؛ کی مقصره؟

حضار: خودش.

استاد: خودش مقصره. «و ما اصابک مِن سیئة فمن نفسک»، یعنی هر چه از بدی بهتون اصابت کرد؛ از خودتونه. حالا ما هم درگیر شدیم، بیمار شدیم، مثلا یکی مبتلا به کَنسِر (Cancer، سرطان) شده، آیا بنده باید برم جلوش بایستم و شروع کنم به خندیدن و بگم: «خوب شد! خوب بلایی به سرت اومد! ببین که اشتباه کردی! تقصیر نسل گذشته بوده! اشتباهات الان هم بوده و خیلی خوب شد! جگرم خنک شد!»؟ یک موضوع اینکه او هم میگه: «صبر کن! نوبت خودت هم میرسه! جگرت خنک شد؟». آیا این کار درسته؟ به هر

حال همه ما تخلف کردیم، اجداد و گذشتگان ما هم تخلف کردند و پشت سر هر کدوم از ما چند هزار سال تخلف و آلودگی خوابیده. حالا امروز اصابت کرده به یک نفر و اون دچار وسواسه یا دچار توهمه یا... آیا ما باید بهش بگیم: «خوب شد! حقت بوده!»؟ تازه خیلی از این تقصیرها که مال خودش نیست؛ مال گذشته‌ست. اما در واقع، مفهوم رحمانیت الهی همینه که حاضره در هر شرایطی و با توجه به هر نوع تخلفی، دست ما رو بگیره و مشروط نیست. آیا شرطی داشتیم مبنی بر اینکه برای چه نوع تخلفی به ما کمک میشه؟ شرطی در کار نبود.

عشق یکسان ناز درویش و توانگر می‌کشد
این تـــرازو سنـگ و گوهر را برابر می‌کشد

قرار هم نبود اینطور باشه. ما نه مؤاخذه شدیم، نه محاکمه شدیم، نه گفتند که شما بی‌تقصر بودی و درمانت می‌کنیم یا مقصر بودی و درمانت نمی‌کنیم! اینها در کار نبود. به هر حال اون موجود غیر ارگانیک بر حسب شرح وظیفه عمل کرده و ما رو درگیر کرده؛ ولی از این‌طرف قضیه، به‌واسطه رحمانیت الهی، ما محکوم ابدی نیستیم. اگر از رحمانیت الهی استفاده کنیم؛ قرار نیست که محکوم ابدی باشیم. در غیر این‌صورت اصلا ارتقا معنی پیدا نمی‌کنه و ما یک موجود محکوم می‌شیم. اما الان محکوم نیستیم و هر لحظه می‌تونیم خودمون رو نجات بدیم. حالا چگونه خودمون رو نجات بدیم؟ یک ریسمان آویزونه و هر لحظه که این ریسمان رو بگیری؛ رفتی بالا و از این گودال بیرون اومدی. پس نامشروطه! حالا دیگه اینکه چرا داخل این گودال افتادیم، موضوع مورد بحث ما نیست. موضوع اینه که ریسمانی آویزان است؛ از این ریسمان استفاده کنیم و خودمون رو از این گودال و از این چاله بیرون بکشیم. بنابراین هیچ مداخله‌ای نیست و موضوع مهم اینه که مگر ما هستیم که این کار رو می‌کنیم؟ مگر غیر از اینه که اون خودش داره انجام میده؟ ما که انجام نمی‌دیم که فرضا گفته بشه ما مداخله می‌کنیم. باور کنید اگر بر عهده ما باشه؛ ما هیچ کاری نمی‌تونیم انجام بدیم. بنابراین ما به او سپردیم و او خودش انجام میده. ما فقط داریم یک سپردن به خدا را انجام میدیم، بقیه‌اش کار خودشه؛ کار ما نیست که ما مداخله کرده باشیم.

ـ اپیدمی ذهنی جهانی:

حضار: استاد! مسئله‌ای که باهاش مواجهه هستیم؛ بحث سماجت موجودات غیر ارگانیکه.

استاد: بله، من الان توضیح میدم؛ این هم بحث مسائل کلیه. توجه بفرمایید دوستان، موضوعی رو که ما دنبال می‌کنیم و بعدها شما وقتی خودتون وارد قضیه شدید، ارزش و اهمیتش رو متوجه می‌شید؛ همون پاکسازی بیرون هست که باعث شده اتفاقاتی بیفته. من یک مطلبی رو میگم برای اینکه دوستان به قضیه نزدیک بشند. ما در یک برهه‌ای قرار گرفتیم که کلی از ماجراهای پشت سر ما به ما رسیده و در واقع ما مثل یک سدی شدیم و جلوی این آلودگی‌ها و مسائل مختلف منفی رو گرفتیم. اهمیت این برهه به این دلیله که ما می‌تونیم کاری کنیم که این آلودگی‌ها از ما رد بشه؛ کما اینکه از نسل قبلی‌مون رد شد و به ما رسید یا ما جلوش رو بگیریم. یک مثال میزنم که قبل از زمان کخ و پاستور، مردم نمی‌دونستند میکروب چیه؛ اما نسلی که هم‌عصر با کخ و پاستور بودند؛ یک‌دفعه یک وضعیت دوگانه‌ای پیدا کردند که آیا میکروب رو قبول کنند یا نکنند. اگر قبول می‌کردند، وحشت وجودشون رو می‌گرفت و اگر قبول نمی‌کردند؛ با آبله و وبا و تیفوس و سیاه‌زخم و بسیاری اپیدمی‌های مختلف درگیر بودند. بنابراین شرایط مرزی و سختی بوده تا تونستند این وضعیت رو پیش بیارند که دیگه اپیدمی‌ها همونجا کنترل بشند و بعد از اون دیگه انتقال پیدا نکنند. الان اون چیزی که ما داریم در موردش با شماها صحبت می‌کنیم و تک تک و نفر به نفر شما تجربه کردید هم یک اپیدمیه. فکر نمی‌کنم که الان در بین ما کسی باشه که اصلا نسبت به این مسائل شکی داشته باشه. چون تجارب همه آنقدر بالاست که حد و حساب نداره. الان ما با **«اپیدمی ذهنی جهانی»** رو در رو هستیم؛ یعنی بشر قبلا گرفتار اپیدمی‌های جسمی بود؛ ولی الان اپیدمی ذهنی و روانی دنیا رو گرفته. یعنی اگر شما آمار کسانی رو بگیرید که با تعریف ما مبتلا به مشکل ذهنی هستند؛ آمار بالایی‌ست. وقتی در کلاس آمار می‌گرفتیم؛ چند درصد بود؟

حضار: ۱۰۰٪ بود استاد!

استاد: در کلاس آمار چیزی حدود نود درصد بود و ده در صد بقیه هم از ترس اَنگِ مشکلاتی که تعریف می‌کردیم؛ دستشون رو بلند نمی‌کردند. اگر مشکلات روانی رو هم آمار بگیریم؛ دوباره همینطوره. الان اگر دقت کنید، امروزه در بین بشر، کسی روی خوشبختی رو نمی‌بینه؛ با وجود اینکه امکانات فراوانه. اگر صد سال قبل می‌گفتند که

شما در یک قرن دیگه یک وسیله‌ای رو دستتون می‌گیرید و با همه دنیا در ارتباط خواهید بود و یا اگر فقط مقدار کمی از امکانات امروز رو بیان می‌کردند؛ همه می‌گفتند پس دنیا بهشت برین خواهد شد. حالا امروز ما در اون دوران هستیم و داریم فکر می‌کنیم که چگونه خودمون رو از شرّ این امکانات نجات بدیم! قبلا یک‌ذره آرامش داشتیم، اون یک‌ذره آرامش رو هم از دست دادیم. خوشا صد سال پیش! خوشا پنجاه سال پیش! خوشا دویست سال قبل! چرا؟ به دلیل اینکه با جلو اومدن ما مسائل و مشکلات پنهانی که انسان برای خودش درست کرده، باعث شده که ما با یک مسئله‌ای به‌نام **«اپیدمی ذهنی»** درگیر بشه و دچارش بشه. البته نام اپیدمی ذهنی، واژه‌پردازی خود ماست و چنین چیزی اصلا در هیچ جایی ثبت نیست. به‌خاطر این اپیدمی ذهنی و روانی که در دنیا گریبان بشر رو گرفته، با همه این امکانات، با همه این تسهیلات و با همه این رفاهیات، هیچ کسی احساس خوشبختی و آرامش نمی‌کنه. در واقع یکی از اهداف ما این هست که با شناسایی روی مسائلی که در باب انسان‌شناسی و اینها داریم و شما بخشی از اون رو تست کردید، جلوی این اپیدمی ذهنی رو بگیریم تا همونطور که اپیدمی‌های جسمی مثل آبله، وبا، طاعون، تیفوس، سیاه‌زخم و... تقریبا ریشه‌کن شدند؛ این اپیدمی ذهنی و روانی هم ریشه کن بشه.

به همین منظور، همونطور که یکی از کارهایی که در اون اپیدمی‌های جسمی انجام شده، رعایت‌های بهداشتی مختلفی بوده که در سطح شهر و خانه و سیستم فاضلاب و... پیاده شده، عین این کار در مورد پاکسازی ویروس‌ها و موجودات غیر ارگانیک هم انجام شده و نتیجه کار تا اینجا اینه که ویروس‌هایی که سماجتشون کمه؛ نسبتا کاهش پیدا کردند. شاید بعضی از دوستان یک نوع سبکی رو احساس می‌کنند و بعضی‌ها هم احساس نمی‌کنند؛ ولی یک سبکی حاصل شده. ولی یک مسئله‌ای که هست، اینه که الان عمدتا ویروس‌هایی رو هستند که سماجتشون بالاست. بنابراین یا ویروس نیست، یا مسئله‌اش خیلی سریع و راحت حل و فصل میشه و یا اگر هست؛ از اون ویروس‌های خیلی سمج هستند که باهاشون برخورد می‌کنید. به‌طوری که ممکنه بعضی‌ها دچار این سوء تعبیر بشند که به‌نظر میاد ویروس‌ها قوی‌تر شدند. شاید تصور می‌کنند که این مسئله هم مثل استفاده از سموم و آنتی بیوتیک‌هاست که هر چه بیشتر از آنتی بیوتیک‌ها و سموم مختلف استفاده می‌کنند، از اون‌طرف متقابلا میکروارگانیزم‌ها و پشه‌ها و آفت‌ها هم

مقاوم‌تر می‌شند؛ ولی این موضوع این‌طوری نیست. چون هدایت این قضیه با هوشمندی‌ست، اینطور نیست که اونها مقاوم بشند؛ بلکه امروز ویروس‌هایی باقی موندند که سماجتشون بالاست. اگر دقت کرده باشید؛ با چنین وضعیتی رو در رو هستیم. مثلا در خیلی از موارد، هنوز شما ارتباط رو اعلام نکردید، اما تظاهرات پاکسازی ویروس‌ها رو در مورد افراد ملاحظه می‌کنید.

حضار: بله استاد!.

استاد: یعنی حتی هنوز اصلا تشعشع دفاعی رو اعلام نکردید، ولی می‌بینید که حتی بعضی‌ها در فرادرمانی، یک‌دفعه ویروسشون میاد بالا. این مسئله به این علته که در واقع حساسیت موضوع افزایش پیدا کرده.

- **منظور از به دوش کشیدن بار گناهان گذشتگان و کاستن آن برای نسل بعدی:** با ادامه کار، موضوع برای نسل بعدی خیلی سبک‌تر میشه و در واقع ما بار گناهان نسل‌های گذشته رو به‌دوش کشیدیم. مفهوم این هم که دو هزار سال پیش گفته شده که ما بار گناهان بشر رو به دوش کشیدیم، مربوط به اون ناآگاهی بوده که تا اون تاریخ وجود داشته؛ ولی بعدا سوء برداشت شده از این قضیه. امروز هم شماها بار گناهان گذشته رو به دوش کشیدید و دارید منقطعش می‌کنید، پاکسازی می‌کنید تا نسل بعدی غرامت‌ها و تاوانی رو که ماها پرداخت کردیم؛ دیگه پرداخت نکنند. همونطور که در بچه‌ها و نسل جدیدمون می‌بینید که اونها چقد زود جهش می‌کنند. اینطور هست یا نیست؟

حضار: بله.

استاد: الان چند نفر این تجربه رو دارند و می‌دونند که اینطوره؟ این یک تجربه عمومیه؛ ما تجربه‌مون با هم مشترکه. می‌بینیم که نسل بعدی، دیگه بستگی‌ها و مشکلات ما رو به این طریق ندارند و خیلی کمتر شده و مسئله‌ای رو که ما تازه بعد از سال‌ها می‌خوایم در مورد خودمون حل و فصل کنیم؛ اونها در این سنین کم دارند از خودشون دور می‌کنند.

پس این هم توضیح اون مبحث در خصوص تشعشع دفاعی بود. بنابراین، در واقع موجودات سمج‌تر نشدند و مقاومتشون هم نسبت به این قضیه بالا نرفته؛ بلکه فقط اوضاع سبک‌تر شده و ما بیشتر ویروس سمج می‌بینیم تا ویروس‌های معمولی و نرمالی

که یک‌موقعی شما در کلاس‌ها شاهدشون بودید که یک مقداری باهاشون گپ می‌زدیم و صحبت می‌کردیم. حالا دیگه اونها خیلی کمتر شدند. پس به این مسئله دقت کنید و شاید چند وقت بعد متوجه ارزش و اهمیتی بشید که کار شما داره؛ ولی از این بابت سختی هم کشیدید و بعضی از دوستان به‌شدت با این قضیه درگیر بودند تا به هر حال یک افاقه‌ای شده و موضوع یک‌خرده سبک‌تر شده. برخی از دوستان رنج و زحمت زیادی به‌واسطه مسئله پاکسازیشون و نوع ویروسشون و سماجت ویروس کشیدند و عده دیگری هم‌اکنون هم دارند رنج می‌کشند، ولی اگر بدونیم که ارزش و اهمیت این قضیه برای بشر چقدر زیاده؛ مسلما دوستان هم با پایداری و سرسختی بیشتری این مسئله رو دنبال می‌کنند تا اون پاکسازی نهایی و اون هدف نهایی حاصل بشه.

ـ اولویت نجات انسان بر نجات ویروس غیر ارگانیک از نظر هوشمندی:

سوال: استاد ببخشید که وقتتون رو می‌گیرم، موقعی که ما برای ویروس‌ها مثبت دو و تشعشع‌ها رو اعلام می‌کنیم، با اعلام مثبت دو، چیزی به ویروس نشون داده میشه که دلش می‌خواسته اون رو داشته باشه یا دوست داره ببینه. آیا ما با این کار به‌نحوی اختیار رو از ویروس سلب نمی‌کنیم؟

استاد: خیر!

ادامه سوال: چون در رابطه با ویروس‌های مشترک که چند نفر به یک ویروس مشترک آلوده شدند، وقتی که ویروس از یک نفرشون خروج می‌کنه، الزاما از نفرات دیگه خروج نمی‌کنه و حتی سماجت داره که از اون نفر دیگه خروج پیدا نکنه. به‌خاطر همین به نظر من هنوز به آگاهی نرسیده و چون ما بهش فشار آوردیم، اون بدون آگاهی و تحت فشار مجبور شده از اون نفر دیگه خارج بشه؛ در حالی‌که هنوز به آگاهی نرسیده. آیا ازش سلب اختیار شده؟

استاد: توجه بفرمایید که اولا در اون قضیه که مثبت دو براش اعلام می‌کنیم، راهی بهش نشون داده میشه و در اون راهی که بهش نشون داده میشه، ما نه فریبش میدیم و نه اغواش می‌کنیم؛ هوشمندی داره مدیریت می‌کنه. یک مطلب دیگری که وجود داره، بحث این هست که ما زمانی که به یک میکروب آلوده می‌شیم؛ چکار می‌کنیم؟ اولویت با ماست یا اولویت با اونه؟ من یک توضیح بدم خدمتتون که ما در بدنمون صد تریلیون

سلول داریم که صد هزار برابر این مقدار، میکروب و میکروارگانیزم با ما زندگی می‌کنه. حالا شما بفرمایید که ما میکروارگانیزم هستیم یا سلولیم؟ این یک مسئله. مسئله دیگه اینکه به‌محض اینکه یک میکروارگانیزم یا میکروب یا ویروس می‌خواد به ما صدمه بزنه؛ اولویت با ماست. ضمن اینکه اون هم حق زندگی داره و اصلا ما لازم و ملزوم همدیگر هستیم؛ منتها این نقش، شناخته شده نیست و ما نمی‌دونیم که چه‌جوری مسالمت‌آمیز با هم زندگی کنیم و فکر می‌کنیم که مثلا میکروب نباید وجود داشته باشه. یعنی قبل از کخ و پاستور، ما از اون‌طرف افتاده بودیم و بعد از کخ و پاستور از این‌طرف افتادیم و نمی‌دونیم که اگر میکروارگانیزم نباشه؛ ما اصلا زندگی نداریم. الان صد هزار برابر این صد تریلیون سلول، میکروارگانیزم داره با ما زندگی می‌کنه. یعنی در درون و بیرون و در خیلی از ری‌اکشن‌ها (Reaction، واکنش- فعل و انفعال) و در خیلی مباحث، این نقش مفصلا وجود داره. اما به‌محض اینکه یک ویروس بخواد این وسط به ما لطمه‌ای وارد کنه؛ اولویت با ماست یا با اون ویروسه؟

حضار: از دیدگاه من تفاوتی بین من و ویروس وجود نداره.

استاد: تفاوتی وجود نداره، ولی به دلیل نقش و رسالتی که ما به عهده داریم؛ نسبت به یک ویروس یک اولویتی به ما داده میشه. بنابراین ما هر جور فشاری رو می‌گذاریم که اون ویروس از بدن ما خارج بشه. حالا اگر مثلا ویروس آنفولانزاست؛ تمام این سیستم به کار می‌افته که این عامل رو به زور، بیرون بندازند. به همین ترتیب، هر عامل مزاحمی که می‌خواد ما رو درگیر کنه، هر چند که به‌واسطه اشتباهات ماست، اما وقتی من درگیر شدم، اگر من بخوام؛ اون هوشمندی حاضره به من کمک کنه و اون مشکل رو رفع کنه. من در کلاس‌ها مثال زدم که وقتی یک بچه زمین می‌خوره، به هر حال ما می‌دونیم که چون جلوی پاش رو نگاه نکرده؛ زمین خورده. اما با این‌وجود بلندش می‌کنیم، نازش می‌کنیم، ماچش هم می‌کنیم و بهش می‌گیم: «بچه! جلوی پات رو نگاه کن!»؛ یعنی ما آماده‌ایم که علی‌رغم اشتباهش کمکش کنیم. در این خصوص هم همینطوره و در واقع با وجود اینکه من اشتباه کردم و آلوده شدم؛ اما الان اون هوشمندی به من کمک می‌کنه که اون عامل ویروس مزاحم رو از وجود من خارج کنه. من که به‌خودی خود نمی‌تونم این کار رو کنم و فقط به همه اراده من بستگی نداره تا من بتونم اون رو بیرون کنم. دلیل بعدی هم اینه که جایگاه اون هم اینجا نیست؛ یعنی یک عملی‌ست که هم به نفع منه

و به نفع اون هم هست. خیلی جاها شما برای مسئله درمان، یک داروی تلخ رو استفاده می‌کنید. در این رابطه این مثال رو هم زدیم که شما یک داروی تلخ رو به یک کودک می‌خورانید یا بهش آمپول می‌زنید و اون کودک هم دردش میاد، گریه‌اش می‌گیره، فرار می‌کنه و هزارتا کار می‌کنه و با خودش فکر می‌کنه که برای چی دارند این کار رو با من می‌کنند؟! البته کاری با درست و غلط بودن آمپول و اینکه جواب داده یا نه نداریم، ولی آنچه که این وسط وجود داره و نیات همه طرفین اینه که یک خیر و صلاحی این وسط اعمال بشه. برای ما هم در مورد این مسئله همینطوره و اون ویروس به درد میاد، دچار مشکل میشه، ضجه میزنه، ناله می‌کنه، تهدید می‌کنه، تطمیع می‌کنه و همه این کارها رو می‌کنه و نمی‌خواد بیاد بیرون؛ ولی ما می‌دونیم که این خیر و صلاحشه و هوشمندی هم می‌دونه خیر و صلاحشه. بنابراین اینجا این‌طوری نیست که اولویت با ویروس باشه. معلومه که اگر شما به یک ویروس اچ‌ای‌وی (HIV) بگید که آیا شما اجازه میدید ما شما رو بیاریم بیرون؟ اون میگه: «نخیر! من جا از اینجا بهتر پیدا نمی‌کنم!». کدوم میکروب، کدوم ویروس، کدوم عامل پارازیتی وجود داره که وارد بدن ما شده باشه و بعد بگه: «باشه! اجازه میدم کاری کنید که من از اینجا برم بیرون؟». در واقع وقتی جا خوش کرد و به اونجا خو گرفت؛ دیگه نمی‌خواد بره.

بنابراین، در هر صورت ما باید خودمون رو از شر اون ویروس و عامل مزاحم نجات بدیم. در مورد دلایل خیلی زیاد دیگر لزوم این کار هم در این سال‌ها صحبت کردیم. ما باید بدونیم آیا این کسی که الان داره صحبت می‌کنه؛ منم؟ این بالاخانه اجاره هست یا نیست؟ اینکه گفتند باید خودشناسی کنیم؛ همه اینها جزء خودشناسیه دیگه! از چیدمان وجودیمون گرفته تا بحث بالاخانه و همه اینها هست جزء خودشناسیه. بنابراین اینجا اینطور نیست که اگر ما اون ویروس رو بیرون کنیم؛ بگیم که اختیارش رو نقض کردیم. اون ویروس اچ‌ای‌وی هم در حد خودش اختیار داره. هویت داره، یعنی می‌دونه وقتی وارد بدن بشه؛ باید چه نقشی ایفا کنه. جهت و هدف داره و داره اون رو دنبال می‌کنه. اونجا در حد خودش هم اختیار داره و می‌دونه با یک سلول چکار کنه. یک مورچه هم در حد خودش اختیار داره و وقتی به یک دانه میرسه؛ می‌دونه چکار کنه و می‌تونه این رو انتخاب کنه یا اون رو انتخاب کنه. یعنی در این حد و حدود اختیار داره و مثلا اگر ده نوع دانه جلوی یک مورچه بریزید، وقتی بهشون میرسه، یکی یکیِ اونها رو سبک و سنگین و بررسی

می‌کنه و یکیشون رو انتخاب می‌کنه و میبره. ما دلیل این سبک سنگین کردن رو نمی‌دونیم، ولی مسلما اینطور نیست که اولین دانه‌ای رو که ببینه؛ برداره و ببره. حتما یک برآوردها و کارهایی می‌کنه و برای انجام همون برآورد باید از اختیارش استفاده کنه؛ منتها این اختیار، یک اختیار ماشینی و اختیاری در اون سطح و لول هست.

ـ اهمیت نگاه رحمانی به موجودات غیر ارگانیک هنگام مواجهه با آنها در ارتباط تشعشع دفاعی:

اگر دقت کرده باشید، می‌بینید که موجودات غیر ارگانیک به ما بلوف می‌زنند و دروغ میگن. حتی در بحث تطمیع کردن هم، اگر مثلا میگن: «من تو رو به همه جا می‌رسونم!»، شاید واقعا نتونه اون کار رو انجام بده؛ شاید هم بتونه. مثلا وقتی صحبت از گنج می‌کنه؛ شاید داشته باشه و شاید نداشته باشه. موارد زیادی از اینها بلوفه و اگر شما کمکش کنید؛ ممکنه بعدا نتونه اون کاری رو که گفته؛ انجام بده. از این‌طرف قضیه، ما هم امکان بلوف داریم و ما هم می‌تونیم به یک شکل‌ها و به یک صورتی از بلوف‌هایی استفاده کنیم و ما هم او رو بترسونیم. ولی چند تا مسئله هست:

مسئله اول اینه که شما بدونید ما اصلا قرار نیست با موجودات غیر ارگانیک صحبت کنیم. حالا اگر خود ما سر کلاس با اونها صحبت کردیم، برای این بوده شما ببینید و بشنوید تا هم به باور برسید و هم ببینید موضوع از چه قراره. ما می‌خویام نشون بدیم که اون ویروس کی اومده، چرا اومده، چطور اومده و حالا اگر بخواد بره بیرون؛ چه وضعیتی داره. مجبوریم که این نمایش و این شُو (Show، نمایش) رو اجرا کنیم. شما هم مجبورید برای شاگردتون این کار رو انجام بدید تا لااقل یکی دو نمونه ببینه که اینها دارن میگن: «من از اونجا اومدم، اینطور اومدم!» و بعد از دیدن یک مورد، دو مورد، ده مورد، صد مورد، دیگه می‌دونند که پس بالاخره یک چیزی هست. فرض کنیم یک نفر پول گرفته که دروغ بگه، دو نفر پول گرفتند که دروغ بگن، سه نفر پول گرفتند.... اینهمه مورد هست. ضمن اینکه اگر دروغ بود؛ پس خوب شدن فرد و رفع مشکل چطور انجام شده!؟ این باعث میشه که در نهایت، افراد در این مسئله به یک باوری میرسند.

مسئله بعدی اینه که ما می‌تونیم بلوف بزنیم، ولی اصول اینه که اون عاملی که داره به ما کمک می‌کنه، ما نیستیم؛ بلکه اون رحمانیت و هوشمندی‌ست که این کار رو انجام میده. این رو هرگز فراموش نکنیم! ما می‌تونیم پیاز داغ و سیرداغ و نعناع داغش رو این

وسط زیاد کنیم، ولی فراموش نکنید که اگر این عامل هوشمند نبود؛ اصلا این ویروس به صحبت می‌آمد که بعد من باهاش صحبت کنم و بعد هم بخوام بگم که می‌سوزونمت یا نمی‌سوزونمت؟ اصلا حضورش رو نمیشد!

پس این اصل یکه که ما قرار نیست با موجودات غیر ارگانیک صحبت کنیم. ما اصلا قرار نیست درگیر این مسئله بشیم که یکی یکی با اینها صحبت کنیم؛ بلکه ما قراره فقط یک نظر کنیم. یعنی فرهنگ و دانش این قضیه چنان گسترش پیدا کنه که دیگه وقتی شما یک نظر کنید؛ مسئله حل و فصل بشه. ما اصلا قرار نیست وقتمون رو برای این قضیه تلف کنیم. اگر الان تو این مسائل گیر کردیم، به‌خاطره اینه که دوره‌ای مثل دوره کخ و پاستوره و یک‌دفعه اینجا گیر کردیم و می‌گیم الان باید اینجا و اونجا و همه جا ضدعفونی بشه و از در و دیوار و هوا و از همه چیز وحشت داریم که مثلا الان اینجا هستند یا تو هوا و همه جا هستند! در واقع ما الان در اون موقعیتیم.

پنج سال دیگه اگر شما در مورد اثبات رو اومدن ویروس و این مسائل صحبت کنید؛ بهمون می‌خندند. مثل اینه که الان یکی بیاد اینجا و بگه: «می‌دونید میکروب وجود داره؟». مگر اینکه بخواد یک کار تخصصی انجام بده و این رو بگه. در غیر این‌صورت، اگر الان یک نفر بیاد بگه: «آگاه باشید که اینجا میکروب وجود داره!»؛ بهش می‌خندند. چون الان دیگه یک بچه پنج، شش ساله هم می‌دونه میکروب وجود داره؛ یعنی دیگه این مسئله در روح جمعی و فردی و همه اینها وارد شده. در مورد ویروس‌های غیر ارگانیک هم همینطوره و پنج سال دیگه اگر شما تازه بخواید با این نمایش‌ها وجودشون رو اثبات کنید؛ بهمون می‌خندند. مگر اینکه بخواهید یک بحث تخصصی داشته باشید. ولی اگر همینطوری بگید: «بدانید که موجود غیر ارگانیک وجود داره!»؛ بهمون می‌خندند.

بنابراین، شما امروز نیاز دارید که یک شُو اجرا کنید، ولی فردا اصلا نیاز به چنین کاری نیست که مثلا بگید: «من می‌خوام ثابت کنم که ویروس غیر ارگانیک وجود داره!»؛ بهتون می‌خندند و درست مثل اینه که الان بگید: «من می‌خوام ثابت کنم که میکروب وجود داره!»؛ بهتون می‌خندند! میگن: «این موضوع رو دیگه بچه‌ها هم می‌دونند!». بنابراین فعلا امروز ما به شو نیاز داریم که نشون بدیم این ویروس چگونه و چکار می‌کنه و از کجا اومده و به کجا میره. این یک موضوعه و به‌طور کلی، ما داریم طولانی مدت رو می‌بینیم. ما نه برای درمان و نه برای کار دیگری اصلا قرار نیست که از دست استفاده کنیم یا کار

فیزیکی انجام بدیم؛ ما قراره فقط یک نظر کنیم و کار انجام بشه. امروز مردم نمی‌دونند، ولی با توجه به اینکه الان وارد عصر هوشمندی شدیم و در واقع از ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ وارد عصر هوشمندی و تبعات اون شدیم؛ پنج سال بعد، دیگه لازم نیست که شما هوشمندی رو توضیح بدید. یعنی به‌محض اینکه کسی بگه سرم درد می‌کنه، یا خودش برای خودش ارتباط اعلام کرده یا یکی دیگه براش اعلام کرده. یعنی دیگه نیاز به توضیح نیست! چون موضوع، یک چیزی‌ست که دیگه برای همه مسجله و همه از اون استفاده کردند و همه متوجه شدند که میشه با هوشمندی کار انجام داد. اونجا دیگه موضوع سر اینه چه کاری با هوشمندی انجام بشه؛ مثبت یا منفی؟ یک‌سری با هوشمندی مثبت و یک‌سری هم با هوشمندی منفی کار خواهند کرد و این دیگه بستگی به بنیانگذاری ماها داره. یعنی به این بستگی داره که حالا که یک گوشه‌ای از این کار دست ماست؛ ما چه الگویی به جا بگذاریم. ما از همون ابتدای قضیه الگوی عرفان کمال و عرفان قدرت رو گذاشتیم و تعاریفش رو هم ارائه کردیم و پرسیدیم: «چی می‌خوای؟ کمال می‌خوای یا قدرت؟».

موضوع دیگه اینه که هم موجودات غیر ارگانیک به ما بلوف می‌زنند و هم ما به اونها بلوف می‌زنیم و یک‌سری مسائلی هست که کمک می‌کنه. به هر حال یا ما از ترس اون غیر ارگانیک استفاده می‌کنیم و یا اگر دقت کرده باشید، مثلا خود من حرف‌هایی از از جنبه مثبت بهشون زدم که: «اونجا زندگی هست، زندگی خودتون زیباست، شما اینجا گیر افتادید، اینجا زندانی هستید، تو هم مثل من اسیری و...»؛ یعنی از جنبه مثبت و رحمانی استفاده کردم. قبلا توضیح دادیم و در ویدیوهای کلاس‌ها هم موجوده که ما هیچ‌وقت تهدید منفی مثل سوزوندن رو استفاده نمی‌کنیم؛ چون برامون کارما و تبعات منفی داره. اصولا ما هیچ جلوه الهی رو هتک حرمت نمی‌کنیم؛ البته تا حد امکان خودمون. نمی‌خوام بگم که ما اصلا هتک حرمت نمی‌کنیم؛ ولی میگم تا حد امکان خودمون این کار رو نمی‌کنیم. به‌دلیل اینکه حتی از یک ذره گرفته تا هر چیز دیگری، تقدس داره و مظهر تجلی الهی‌ست. بنابراین، ما تهدید به تخریب و سوزاندن و... نمی‌کنیم. اصولا همونطور که قبلا هم توضیح دادیم و جواب سوال شما دوست عزیزمون هم هست، هر چه جلوه رحمانی بیشتر باشه؛ اثرگذاری بیشتره. یعنی درست بر عکسِ اینه که ما تصور فکر کنیم جنبه زور و تهدید و اینها بهتر جواب میده. مثلا من گزارش دارم که به زور، چشم شخص رو باز کرده و خطاب به ویروس گفته: «یا میری یا...!».

بنابراین، هر چند من فکر می‌کنم که با کمی بالاو پایین، تجارب همه ما مثل همه، ولی مسئله‌ای که هست؛ اینه که شاید این جلوه رحمانی کارسازتر باشه. یعنی اگر به اونها حس نجات دست بده؛ بهتره تا اینکه حس نابودی و سوزاندن بهشون دست بده. ما هرگز از بحث سوزاندن استفاده نمی‌کنیم، چون هم کارما و فیدبَک منفی (Feedback، بازخورد) داره و هم با مباحث ما مغایرت داره. ما از یک‌طرف رحمانیت رو به کار گرفتیم و از یک‌طرف می‌خوایم بسوزونیم؟ چرا ما بلوف منفی بزنیم؟ چرا اینطور نگیم که: «برو! ما کمکت می‌کنیم. ما خیر و صلاحت رو می‌خوایم» و اینجور صحبت‌هایی که هست. چرا از مثبت استفاده نکنیم؟ چرا با اون رحمانیت همفاز نشیم؟ اگر رحمانیت داره رحم می‌کنه و هم به من کمک می‌کنه و هم به اون کمک می‌کنه؛ چرا ما با اون رحمانیت همسو نشیم؟ چه اصراریه که ما بلوف منفی بزنیم؟ در اون لحظه که ما میگیم آتشت می‌زنیم، ما میریم به فاز منفی و وقتی هم که بریم به فاز منفی، تبعات منفی هم برای خودمون داره. پس چرا این کار رو کنیم؟

ـ تغذیه ویروس غیر ارگانیک از انرژی‌های حیاتی انسان:

حضار: مگر جنگ جسمی با موجودات غیر ارگانیک داریم؟

استاد: علی الحساب یک‌خرده داریم؛ چرا نداشته باشیم؟ داریم. یک جا ویروس روی نرم افزار نشسته، یک نمود بیرونی داره و یک جا روی جسمه؛ یک نمود دیگری داره و این صدمه می‌تونه به‌صورت‌های مختلفی روی جسم هم باشه. این صدمه می‌تونه به هر دو بخش و هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیر مستقیم باشه. به‌صورت غیر مستقیم یعنی مثلا اگر ویروس روی چاکرایی بشینه، کلا انرژی حیاتی به اعضای مختلف نمیرسه و اعضایی ممکنه به واسطه نقصان اون انرژی‌های حیاتی، دچار عملکرد بد و ناقصی بشند و بعد از یک مدت ببینیم که عضوی تحلیل رفت یا دچار مشکلات دیگری شد. البته منظور ما از انرژی‌های حیاتی، انرژی‌های مادی نیست؛ بلکه در واقع منظورمون انرژی‌های پشت‌صحنه‌ست.

حلقه‌های جلسه پنجم تشعشع دفاعی نظام قدیم [۳]:

۳- لیست حلقه‌های هر جلسه از دوره تشعشع دفاعی، منطبق با آخرین نسخه درسنامه به تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۲۱، مصادف با ۲ آبان‌ماه ۱۴۰۰ خورشیدی می‌باشد.

ـ تفویض حلقه کنترل تشعشع منفی سه، راه دور و راه نزدیک (رفع تشعشعات منفی مسخ و نفوذ در دیگران):

کنترل تشعشع منفی ۳ یکی از حلقه‌های رحمانیت الهی است که اعلام آن باعث رفع تشعشعات منفی مسخ و نفوذ در دیگران می‌شود. این حلقه جزء حلقه‌های مجاز یا همان طلب خیر محسوب شده و نیازمند کسب اجازه نیست و از راه دور و نزدیک، قابل اعلام است.

یکی از کرامات شبکه منفی، مسخ یا نفوذ در دیگران است که در طی آن، فرد می‌تواند هر دستوری را که می‌خواهد به دیگران تحمیل کند. در واقع اگر فردی در فاز منفی باشد؛ تشعشع منفی مسخ بر او اثر خواهد کرد و فردِ مسخ کننده، کنترل افکار و ذهن و عملکرد او را به دست می‌گیرد و خواسته‌های خود را بر او تحمیل می‌کند. با نظر به این حلقه می‌توان اثر این تشعشع منفی را برای قربانیِ مسخ، قطع کرد.

ـ تفویض حلقه کنترل تشعشع منفی شش، راه دور و راه نزدیک (رفع طلسم‌های چند جانبه):

برخی از طلسم‌ها را طلسم‌های چند جانبه (چند قفله) می‌نامند. این نوع از طلسم‌ها، چندین طلسم تو در تو هستند که به‌صورت قرار دادی با شبکه منفی و یا از طریق چندین ویروس غیر ارگانیک اعمال می‌شوند. معمولا این نوع از طلسم‌ها با اعلام کنترل تشعشع منفی یک به‌تنهایی، خنثی نمی‌شوند؛ زیرا طلسم یا طلسم‌های دیگری در دل آن، مجددا آن را فعال می‌کند. کنترل تشعشع منفی ۶ طلسم‌های چند جانبه را رفع می‌کند و به مانند نحوه اعلام حلقه کنترل تشعشع منفی یک، قابل اعلام برای افراد، مکان، موضوع و خود طلسم می‌باشد. این حلقه جزء حلقه‌های مُجاز یا همان طلب خیر محسوب شده، نیازی به کسب اجازه نداشته و از راه دور و نزدیک قابل اعلام است.

نکته: لازم است که معرفت‌پژوهان در هر مقطع زمانی، برای اطلاع از آخرین تغییرات احتمالی و ترتیب تفویض حلقه‌ها، به جدیدترین نسخه درسنامه در سایت آکادمی طاهری مراجعه فرمایند.

ـ تفویض حلقه کنترل تشعشع منفی پنج، راه دور و راه نزدیک (رفع تشعشع منفی طلسم):

پس از باطل کردن یک طلسم با حلقه‌های رحمانیت الهی، به‌منظور اینکه تشعشعات منفی که بر خود آن شئ که طلسم روی آن جاری شده نیز خنثی گردد، حلقه کنترل تشعشع منفی ۵ نیز برای آن باید اعلام شود؛ در نتیجه آن طلسم دیگر شعور منفی ندارد. اما نگهداری طلسم‌ها و نمادهای شیطان در خانه و همراه خود به هیچ وجه توصیه نمی‌گردد؛ مگر اینکه حفظ آن به‌منظور آموزش و شناساندن آنها به دانشجویان صورت پذیرد. پس بهتر است این وسایل، نه خریداری و نه نگهداری شوند. اعلام این حلقه، نیازمند کسب اجازه نیست و از راه نزدیک و دور قابل اعلام است؛ اما در اعلام راه دور حتما باید هدف مورد نظرکاملا مشخص باشد. به‌عنوان مثال، اگر فردی بگوید برای من طلسم گرفته شده؛ نمی‌توان برای آن طلسم، کنترل تشعشع منفی پنج اعلام کرد تا وقتی که خود طلسم پیدا شود و هدفگیری کاملا دقیق باشد.



برای دانلود آخرین نسخه جزوات دوره‌های نظام قدیم و نظام جدید، نوشتاری وبینارها و لایوها، دیدارها به اپلیکیشن عرفان کیهانی حلقه مراجعه نمایید.





Erfan Keyhani Halgheh



taheriacademy.com
elementary.erfanhalghehacademy.com